

به نام دادار داد آفرین

جزوه جمع‌بندی ادبیات دوازدهم
(همه رشته‌ها)

مؤلف: دکتر سیدرضا حسینی یکتا

فهرست مطالب

۱. دستور زبان فارسی ۱
۲. آرایه‌ها ۱۳
۳. لغات و املاء ۲۲
۴. تاریخ ادبیات ۲۹
۵. بررسی معنا و مفهوم (قلمرو فکری - زبانی) ۳۴
۶. آزمون‌ها ۵۸

مباحث امتحان:

۱. دستور زبان فارسی
 ۲. آرایه‌ها
 ۳. لغت
 ۴. املاء
 ۵. معنا و مفهوم
 ۶. شعر حفظی
 ۷. تاریخ ادبیات

۱. دستور زبان فارسی:

- (۱) نقش‌ها
 (۲) جمله اسنادی
 (۳) نقش‌ها
 (۴) نقش‌های تبعی
 (۵) وابسته و وابسته
 (۶) ترکیب وصفی و اضافی
 (۷) انواع «واو»
 (۸) انواع «ان»
 (۹) حذف لفظی و معنوی
 (۱۰) شیوه عادی و بلاغی
 (۱۱) زمان فعل
 (۱۲) معانی فعل
 (۱۳) کلمات هم‌آوا
 (۱۴) کلمات دو تلفظی
 (۱۵) نقش ضمائر
 (۱۶) هم‌پایه - وابسته
 (۱۷) انواع «را»

(۱) نقش‌ها:

الف	ب	ج
۱. مضاف‌الیه (اضافی)	۵. بدل	۷. نهاد
۲. صفت (وصفی)	۶. قید	۸. مسند
۳. متمم		۹. مفعول
۴. معطوف		۱۰. منادا

(۱) صفت و ۲) مضاف‌الیه:

آتش سوزان: آتش چگونه است؟ سوزان است.

- آتش عشق: (آتش چگونه است؟ آتش عشق است = معنا نمی‌دهد

مضاف‌الیه

تذکر: آتش سوزان (آتشی سوزان)

صفت

- آتش عشق (آتشی عشق)

مضاف‌الیه

تذکر: به کلمه قبل «مضاف‌الیه»، مضاف می‌گویند و به مضاف و مضاف‌الیه، ترکیب اضافی می‌گویند.

مثال: کتاب تاریخ = ترکیب اضافی

مضاف مضاف‌الیه

- به کلمه قبل «صفت» موصوف می‌گویند و به موصوف و صفت، ترکیب وصفی می‌گویند.

مثال: کتاب موصور = ترکیب وصفی

موصوف صفت

تذکر: صفت به پیشین و پسین، تقسیم می‌شود.

صفات پیشین شامل کلمات: اشاره (این - آن - چنین - چنان - همین - همان) - مبهم (هر - همه - چند - هیچ - دیگر - فلان)

- پرسشی (چه - چقدر - چند - کدام) - تعجبی (چه - چقدر - چند - عجب)

- شمارشی (یک - دو - سه - اولین - دومین) - عالی (بهترین - بدترین ...)

که بعد از کلمات نام برده شده، اسمی بیاید که متعلق به آن نامبرده باشد به این کلمات نامبرده شده «صفت» می‌گویند.

مثال: این کتاب را بیاور / این را بیاور

صفت پیشین ضمیر

تذکر: این کتاب: ترکیب وصفی پیشین

صفت موصوف

۳) نقش متمم:

حروف اضافه عبارتند از: از (ز) - به - با - بر - در (اندر) - برای (بهر) - بدون

به کلمات بعد از حروف اضافه، متمم می‌گویند.

مثال: از خانه به مدرسه با پدر حرف زدم

اضافه متمم اضافه متمم اضافه متمم

تذکر: حروف نامبرده اگر قبل از فعل بیاید حروف اضافه نیستند.

او به خانه درآمد و از پله‌ها برآمد

حرف پیشوندی حرف پیشوندی

تذکر: حروف اضافه: چون (چو) - همچون - به کردار - به سان - سوی - جهت - ...

- کلمه «چون» زمانی حرف اضافه است که معنای مانند بدهد.

تذکر: حسین را پرسیدند - از حسین پرسیدند

متمم متمم

۴) معطوف:

حروف عطف عبارتند از: و - یا به کلمه بعد از حرف عطف، معطوف می‌گویند.

مثال: کتاب (و) دفتر خریدم

عطف معطوف

تذکر: انواع «واو» عبارتند از: (۱) عطف (۲) ربط

(حرف «واو» انواع دیگری هم دارد)

قبل از «واو ربط» فعل وجود دارد.

مثال: حسین به خانه آمد (و) رضا را دید.

فعل ربط

تذکر: به خانه آمد حسین (و) رضا را دید (حسین به خانه آمد و رضا را دید)

فعل ربط

تذکر: کتاب ارزشمند و دلنشین: دو ترکیب وصفی

صفت صفت

(۵) نقش بدل (۶) نقش قید

بدل: برادرم رسول با من سخن گفت (کلمه قبل خود را توضیح می‌دهد و حذف آن تأثیری در جمله ندارد)

بدل

تذکر: برادرم رسول است = رسول «بدل» نیست اگر از جمله حذف شود جمله بی‌معنا می‌شود.

مثال‌های مختلف بدل:

- حافظ (و) شاعر بزرگ قرن هشتم (و) غزل‌سرا بود

بدل

- تو خود می‌دانی

بدل

قید: کلمه‌ای است که شامل زمان (شب - روز)، مکان (بالا - پایین)، حالت (خندان - پریشان)، مقدار (کم - زیاد ...)، نفی (هرگز ...)

می‌دهد و حذف آن جمله را بی‌معنا نمی‌کند.

برای مقایسه:

(۱) کار امروز را انجام بده

مضاف‌الیه

(۲) امشب و امروز را استراحت کن

معطوف

(۳) امروز را رها کن = قید نیست (حذف آن جمله را بی‌معنا می‌کند)

مفعول

(۴) امروز به پدر و مادرت محبت کن: جمله آخر قید است.

قید

کلمات تنوین دار (نسبتاً - اتفاقاً - حتماً ...)
 و کلماتی مثل: هرگز - همواره - همیشه - پیوسته - قید می‌باشند.
 - کلمه «چون» اگر معنای «مانند» ندهد قید می‌باشد.
 تذکر: نقش‌های تبعی:

(۱) معطوف (۲) بدل (۳) تکرار

تکرار: حسین حسین بیا

تکرار

تکرار دو کلمه عین هم و به یک معنا می‌باشد که به کلمه تکراری دوم، «تکرار» می‌گویند.

۷) نهاد:

من به مدرسه رفتم / به مدرسه رفتم (من محذوف)
 نهاد

تذکر: صیغه سوم شخص (رفت - رفتند)

(۱) دانش‌آموزان به مدرسه رفتند ← دانش‌آموزان = نهاد

(۲) آن‌ها به مدرسه رفتند ← آن‌ها = نهاد

(۳) به مدرسه رفتند ← نهاد محذوف

تذکر: نهاد در فعل امر (دوم شخص)

تو از خانه برو / از خانه برو (نهاد محذوف)

نهاد فعل امر فعل امر

۸) مسند:

بررسی مسند، نیاز به شناخت فعل اسنادی دارد (در ادامه جزوه بررسی می‌شود)، نقش‌های گروه «الف» و «ب» را بررسی می‌کنیم
 و بعد به نقش «مسند» می‌پردازیم.

مثال: برادرم رسول در مقایسه با دوستان خود واقعاً عاقل و هوشمند است.

در مقایسه / با دوستان خود / و هوشمند

متمم مضاف‌الیه معطوف

جمله باقیمانده: برادرم رسول واقعاً عاقل است.

بدل قید

جمله باقیمانده: برادرم عاقل است.

مسند فعل

۹) نقش مفعول:

در جواب «چه کسی را» یا «چه چیزی را» می‌آید، نقش‌های گروه «الف» و «ب» بررسی شود بعد به نقش مفعول پرداخته شود.

مثال: کز نیستان تا مرا ببریده‌اند

مفعول فعل

تذکر: دوستم گفت که درس‌ها را با دقت بخوان

نهاد فعل مفعول

مثال فوق، «مفعول» فعل «گفت» کل جمله بعد از آن است.

اگر چه «درس‌ها» مفعول برای فعل «بخوان» می‌باشد.

۱۰) منادا:

ای سعدی / سعدیا (معادل: ای سعدی)

منادا منادا

تذکر: گاهی اوقات حرف ندا حذف می‌شود.

مثال: سعدی به روزگاران مهری نشست بر دل

منادا (ای سعدی)

تذکر: گاهی اوقات «منادا» حذف می‌شود.

مثال: ای برتر از همه = ای کسی که از همه برتر هستی

جمله اسنادی (چندجزیی):

به دو گروه فعل‌ها تقسیم می‌شود: (۱) گروه الف (۲) گروه ب

(۱) گروه الف: شامل فعل‌های: است (هست) / بود / باشد (بُود) / شد (شود) / گشت (گردد)

تذکرات:

الف) فعل‌های نامبرده، نباید معنای «وجود داشتن» یا «قرار دادن» بدهد وگرنه اسنادی نیست.

برای مقایسه:

جای هیچ اکراه نیست = اسنادی نیست

اکراهی وجود ندارد

از حال ما آگاه نیست: اسنادی

ب) فعل شد (شود)

چو پیش پدر شد سیاوش پاک = اسنادی نیست

رفت

- گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم: اسنادی نیست

برویم

ما دوباره سبز می شویم: اسنادی

(ج) فعل گشت (گردد)

- زمین به دور خورشید می گردد ← می چرخد = اسنادی نیست

- زمین گشت روشن تر از آسمان ← زمین روشن تر شد: اسنادی

تذکر: گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی

مست هستی: اسنادی

گفت از نقشه راه آگاهم (آگاه هستم) = اسنادی

تذکر: اسنادی نوع اول شامل سه رکن: (۱) نهاد (۲) مسند (۳) فعل است.

اسنادی نوع دوم، شامل فعل‌های:

خواند	گردانید	صدا زد	به حساب آورد
نامید	پنداشت	دید	به شمار آورد
دانست	شمرد	گفت	به بار آورد
ساخت	انگاشت	یافت	کرد (کند)

فعل‌های نامبرده اگر معنای «گردانیدن - نامیدن - پنداشتن» بدهد، اسنادی نوع دوم است.

برای مقایسه:

الف) من درس‌هایم را عالی خواندم = اسنادی نیست

ب) من او را مرد خواندم ← نامیدم = اسنادی

- من خانه‌ای از گل ساختم = اسنادی نیست

- من او را آگاه ساختم ← گردانیدم = اسنادی

تذکر: اسنادی نوع دوم از چهار رکن ساخته می‌شود.

(۱) نهاد (۲) مفعول (۳) مسند (۴) فعل

مثال: من از میان همه دوستانم او را مرد خواندم (نامیدم)

من او را مرد نامیدم

نهاد مفعول مسند فعل

تذکر: فعل «گفت» (گوید) می‌تواند به جای «مفعول» از «متمم» ساخته شود.

مثال: همه به او در میان جمع دگر می‌گفتند (می‌نامیدند)

نهاد متمم مسند فعل

انواع «ان»

۱. زمان: بهاران / پاییزان / بامدادان
 ۲. مکان: دیلمان / گیلان / سپاهان (اصفهان)
 ۳. حالت: بن فعل + ان = گریان / خندان / نالان
صفت + ان ← شادان
 ۴. شباهت: کوهان - ماهان (کوه کوهان: نشان جمع)
 ۵. نسبت: بابکان - کاویان - جانان
 ۶. نشان جمع: مربیان - درختان
- تذکر: سعی شود نشان جمع در مرحله آخر بررسی شود.

شیوه عادی و بلاغی

اگر اجزای جمله، به ترتیب ذکر شود به آن شیوه عادی می‌گویند در غیر این صورت شیوه بلاغی می‌گویند.
تذکر: اجزای جمله به ترتیب: «نهاد ... مسند - فعل» می‌باشد ولی قید می‌تواند زودتر از نهاد ذکر شود.

مثال: من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالات و خوش حالان شدم

بلاغی

عادی

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق

بلاغی = سینه‌ای شرحه شرحه از فراق می‌خواهم

تا شرح درد اشتیاق را بگویم = بلاغی

تذکر: خصوصاً فعل جابه‌جا شده باشد

تذکر: اگر ضمیر جابه‌جا شود یا رای «فکّ اضافه» باشد شیوه بلاغی است.

مثال: فلک را سقف بشکافیم ← سقف فلک را بشکافیم

مبحث وابسته وابسته

(۳) مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۲) صفت صفت

(۱) مُمیز

(۵) صفت مضاف‌الیه

(۴) قید صفت

(۱) مُمیز: واحد شمارش حیوانات، اشیاء، راه، ... می‌باشد.

جلد: کتاب
فروند: هواپیما
متر - قواره - طاقه: پارچه
دستگاه: ماشین
دست: کت و شلوار
کیلومتر - فرسنگ: راه
رأس: گوسفند
تخته: فرش

در شناسایی ممیز، غالباً اول «عدد» یا کلمه «چند» ذکر می‌شود بعد ممیز می‌آید و کلمه سوم اسمی است که ممیز در مورد آن سخن می‌گوید.

مثال: دو جلد کتاب / چند حلقه چاه

عدد ممیز اسم عدد ممیز اسم

شکل نمودار: دو جلد کتاب

عدد ممیز

(۲) صفتِ صفت: دانش آموز موفق ورزشکار

صفت صفت

مثال: «وابسته وابسته» نیست هر کدام جداگانه به «هسته» برمی‌گردد.

مثال: لباس سبز یشمی = صفت دوم، صفت اول را توضیح می‌دهد.

صفت صفت

تذکره: در صفتِ صفت، غالباً کلمه دوم «رنگ» می‌باشد و کلمه سوم نوع رنگ را بیان می‌کند.

(۳) مضاف‌الیه مضاف‌الیه:

کتاب تاریخ ایران / کتاب پدرم (کتاب پدر من)

مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۴) قیدِ صفت:

کتاب نسبتاً ارزشمند / کتاب بسیار مُصَوِّر

قید صفت قید صفت

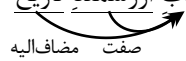
در «قیدِ صفت» کلمه دوم غالباً مقدار را می‌رساند و تنوین یا ساکن دارد.

(۵) صفتِ مضاف‌الیه:

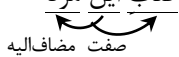
کتاب تاریخ ارزشمند

مضاف‌الیه صفت

تذکر: در «صفت مضاف‌الیه» اول مضاف‌الیه ذکر می‌شود بعد صفت می‌آید.
عکس مسأله صحیح نیست.

مثال: کتاب ارزشمند تاریخ وابسته وابسته نیست


تذکر: صفت مضاف‌الیه می‌تواند به شکل دیگر هم مطرح شود.

کتاب این مرد


در مثال فوق مابین مضاف و مضاف‌الیه (کتاب مرد) صفات پیشین ذکر شده است.

انواع حذف

(۱) حذف به قرینه لفظی (۲) حذف به قرینه معنوی

حذف به قرینه لفظی: در دو جمله ذکر می‌شود که کلمه‌ای در جمله اول ذکر می‌شود و در جمله بعد ذکر نمی‌شود (یا بالعکس)

مثال: منت خدای را عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است (و) به شکر اندرش مزید نعمت (است)

فعل «است» در جمله اول ذکر شده است و در جمله دوم حذف شده است.

مثال: تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

(تن ز جان مستور نیست و جان ز تن مستور نیست)

تذکر: غالباً حرف «واو ربط» تأثیر زیادی در حذف به قرینه لفظی دارد.

حذف به قرینه معنوی: کلمه‌ای یا عبارتی در یک جمله حذف می‌شود بدون آنکه نشانی بر حذف آن باشد.

مثال: عیدتان مبارک ← عیدتان مبارک باد

مثال: عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند

عشق دریایی کرانه ناپدید = حذف به قرینه معنوی

آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل

آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل است

بنده همان به که ز تقصیر خویش

بہتر است

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم / ای کسی که از خیال ... برتر هستی

کلمات هم آوا

کلماتی که در تلفظ یکسان هستند ولی در نوشتن یکسان نیستند.

مثال: ثواب ≠ صواب / حیات ≠ حیاط / قاضی ≠ غازی / منصوب ≠ منسوب / سبا ≠ صبا / بحر ≠ بهر / جامه ≠ جامع

کلمات دوتلفظی

آسمان ≠ آسیمان / روزگار ≠ روزگار / مهربان ≠ مهربان

نقش ضمائر

ضمایر «م - ت - ش - مان - تان - شان» سه نقش می‌پذیرند.

به ترتیب: (۱) مضاف‌الیه (اضافی) (۲) متمم (۳) مفعول

مثال: دوش وقت سحر از غصه نجاتم داد

(۱) نجات من دادند: مضاف‌الیه نیست

(۲) به من نجات دادند: متمم نیست

(۳) مرا نجات دادند: مفعول

مثال: و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

(۱) آب حیات من دادند: مضاف‌الیه نیست

(۲) و اندر آن ظلمت شب به من آب حیات دادند: متمم

مثال: این همه شهد و شکر کز سخنم می‌ریزد

این همه شهد و شکر کز سخن من می‌ریزد: مضاف‌الیه

تذکر: جابه‌جایی ضمیر (جهش ضمیر)

گفتم بینمش مگر درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم

مگر درد اشتیاق من ساکن شود

مضاف‌الیه

معانی فعل

گرفت (گیر)

(۱) من یقۀ او را گرفتم ← گرفتن در معنای خود کلمه

(۲) خدایا بر بندگان مگیر ← بازخواست مکن

تذکر: داشتیم از مدرسه می‌آدم + ماضی مستمر

مضارع:

(۳) مستمر

(۲) التزامی

(۱) اخباری

مضارع اخباری: می + بن مضارع + شناسه

می‌روم / می‌روی / می‌رود ...

تذکر: همی‌روم / خروشد همی (می‌خروشد)

مضارع التزامی: ب + بن مضارع + شناسه

بروم / بروی / برود ...

تذکر: اگر درس خوانی قبول شوی

التزامی: بخوانی می‌شوی: اخباری

مضارع مستمر: دار + شناسه + مضارع اخباری

دارم می‌روم / داری می‌روی / دارد می‌رود ...

تذکر: دارم از مدرسه می‌آیم: مضارع مستمر

فعل امر: ب + بن مضارع = برو / رو

ب + بن مضارع + شناسه: بروید / بزنید

تذکر: می‌شناس (بشناس): امر مستمر

فعل مستقبل: خواه + شناسه + سوم شخص مفرد

خواهم رفت / خواهی رفت / خواهد رفت ...

جملات هم‌پایه / جملات وابسته

پیوندهای هم‌پایه عبارتند از: اما - ولی - لیکن - «واو» و «یای» ربط

کلمات هم‌پایه دو جمله ماده را به هم وصل می‌کند (یعنی کلمات هم‌پایه مرکب‌ساز نیستند)

مثال: حسین آمد (اما) بعد از خوردن غذا، درس‌هایش را نخواند

جمله ساده کلمه هم‌پایه جمله ساده

پیوندهای وابسته‌ساز

پیوندهای وابسته‌ساز عبارتند از: که - چون - تا - اگر - زیرا - گرچه - با اینکه - هرچند - هر که

تذکر: که (زیراکه - هرچندکه - هرکه - با اینکه) / اگر (گرچه - گر - ار) / چون (چو) ← معنای مانند ندهد.

مثال: اگر درس‌ها را با دقت مطالعه کنید در امتحانات موفق می‌شوید

جمله وابسته (پیرو) پایه (هسته)

تذکر: پیوندهای وابسته‌ساز، جمله مرکب می‌سازند که به جمله‌ای که پیوند وابسته‌ساز در آن وجود دارد جمله وابسته می‌گویند و

جمله‌ای که سبب کامل شدن جمله وابسته می‌شود جمله «پایه» (یا هسته) می‌گویند.

(۱۷) انواع «را»: ۱- فک اضافه ۲- اضافه ۳- مفعولی (نشانه)

برای مقایسه:

۱. نزدیک است والی را سرای آن جا شویم ← سرای والی نزدیک است ← «را»ی فک اضافه

(والی = مضاف‌الیه / سرای والی = ترکیب اضافی / شیوه بلاغی)

۲. «را»ی اضافه: حسین را پرسیدند ← از حسین پرسیدند (حسین: متمم)

۳. «را»ی مفعولی (نشانه): کتاب تاریخ را بیاور

مبحث آرایه‌ها:

(۱) اسلوب معادله	(۲) حُسن تعلیل	(۳) حس آمیزی	(۴) اغراق
(۵) استعاره	(۶) تشخیص	(۷) جناس	(۸) کنایه
(۹) مجاز	(۱۰) تشبیه و ارکان آن	(۱۱) سجع	(۱۲) تلمیح
(۱۳) ایهام	۱۴. تضمین		

آرایه‌هایی در امتحان تشریحی مهم‌تر هستند که در کتاب دوازدهم به آن پرداخته شده (مثل اسلوب معادله) یا در قلمروها آن‌ها

بیشتر توجه شده است (مثل حسن تعلیل - اغراق - استعاره - تشبیه ...)

(۱) اسلوب معادله:

① عدد در مصراع متصل
② طرف در مصراع یاس

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌گُشد اول چراغ خانه را
دو مصراع در ظاهر ارتباطی با هم ندارند ولی در معنا و مفهوم یکسان هستند.

دومی مصدافی برای اولی است و جای دو مصراع را می‌توان جابه‌جا کرد.

به طرف دوم غالباً تمثیل می‌گویند.

مثال: عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را / سیل یکسان می‌کند پست و بلند راه را

تمثیل جدی

شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی / آشنایان را در ایام پریشانی بپرس

تمثیل جدی

محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان مشتری جز گوش نیست

جدی تمثیل

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد

جدی تمثیل

ز یزدان دان از ارکان که کوتاه دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

۲) حُسن تعلیل:

سؤالی که جوابش غیرعقلانه و رمانتیک است.

تویی بهانه آن ابرها که می گریند / بیا که صاف شود این هوای بارانی

چرا ابرها می گریند؟ بهانه تو را دارند: حُسن تعلیل

تذکر: حروف «تا - که - چون - از آن (زان)» ← در آخر دو مصراع می توانند بیانگر حُسن تعلیل باشند. (کلمه «چون» نباید معنای مانند بدهد)

تا درد و ورم فرونشیند کافور بر آن ضماد کردند

چرا کافور (برف) را بر روی کوه دماوند قرار دادند؟ تا درد و ورم کوه دماوند فرو نشیند

مثال های حُسن تعلیل:

۱. تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلبند

۲. آتش عشق است کافر نی فتاد جوشش عشق است کندر می فتاد

۳. تو قلب فسرده زمینی از درد نرم نموده یک چند

۳) حس آمیزی:

آمیخته شدن حس های پنج گانه

کوی محبت / سخن تلخ

مثال: سخن گفتنش با پسر نرم دید ← حس آمیزی

از گلشن زمانه که بوی وفا شنید ← حس آمیزی

۲. معطر شعر - معطر خیال - معطر الهام

۴. بوی التماس - بوی حمله

۶. سخن گفتنش با پسر نرم دید

۸. گرم و روشن همچون شرم

۱. قصه شیرین فرهاد

۳. خاطرات شیرین

۵. خواب را مزمه کنید

۷. تیره و سرد همچون ترس

۹. صدای گرم - نایش گرم - حدیث گرم
 ۱۰. خیس بودن شعر
 ۱۱. یاد روشن
 ۱۲. پوزخند نمکین
 ۱۳. با نرمی گفت
 ۱۴. شیرین زبان
 ۱۵. صدای خشک
 ۱۶. اوقات تلخ

۴) اغراق ← بزرگنمایی:

که گفتت برو دست رستم ببند / نبندد مرا دست، چرخ بلند
 آسمان نمی تواند دست مرا ببندد ← اغراق
 تذکر: اعداد صد - هزار ← بیانگر اغراق
 بیامد دوصد مرد آتش افروز
 تذکر: ترکیبات کوه غم / دریای خون / سیلاب اشک

۵) استعاره:

۱- ای دماوند / ای گنبد گیتی / ای دیو سپید / بتا (ای بت) / ملکا (ای ملک: پادشاه)
 ۲- اضافه استعاری:

دست روزگار / سینۀ کویر / حلقوم چاه / مشت زمین / دل زمانه
 تذکر: مشت قلب ← تشبیهی است

تذکر: دست انابت (توبه) ← اضافه اقترانی (دست به قصد توبه)

مثال: حیثیت روزگار / جور ایام

۳- فعل یا صفت هر گروه به همان گروه نسبت داده شود.

آسمان تعطیل است / بادها بیکارند / روزگار پست پرور

۴- کلمه ای که معنای خود را ندهد و بتوان مابین معنای کلمه و اصل کلمه مثل و مانند گذاشت.

مثال: هر که این آتش ندارد نیست باد / تا فرش زمردین بگسترد

استعاره از عشق استعاره از گل و سبزه ها

سیم: نقره استعاره از برف / کافور: ماده خوشبو ← استعاره از برف

اضافه های اقترانی که ممکن است با اضافه استعاری اشتباه شود.

۱. دست انابت (اقترانی) / ۲. جیب مراقبت / ۳. دست تطاول

اضافه های استعاری که متفاوت است عبارتند از:

۱. جوشش عشق ۲. اساس تزویر ۳. پیشگاه اهل خرد ۴. بنیاد هستی ۵. غرق آتش ۶. بال‌های باد

مهم‌ترین اضافه‌های استعاری:

۱. جور ایام ۲. جور گردون ۳. ضربت گردون ۴. مشمت روزگار ۵. قلب زمین / بوسه‌های باران / چشم جویباران / طیلسان مدیترانه / سینه کویر / حلقوم چاه / حیثیت مرگ / سوگند چرخ / دهان خوان / نیرنگ هوا / فریب آز / رگ جان
 (۶) تشخیص (زیرگروه استعاره):

اضافه استعاری = تشخیص / فعل یا صفتی بر انسان و غیر انسان نسبت داده شود
 آسمان خندید

(۷) جناس:

به دو قسمت تقسیم می‌شود: (۱) همسان (تام) (۲) ناهمسان (ناقص)

جناس همسان (تام): عین هم با معنای متفاوت

- پرده‌هایش پرده‌های ما درید

موسیقی صدا پوشش

جناس ناهمسان (ناقص):

در یک حرف اختلاف: حکایت - شکایت / بازار - بیزار / کمان - کمال

در یک حرف افزایش: رنگ - فرنگ / نار - نیاز

در ظاهر عین هم مصوت‌ها یکسان نیست

گل - گل / هزار - هزار

تذکر: آتش است این بانگ‌نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد

نابود باد / باد نمی‌باشد / قافیه = جناس همسان

کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند

قافیه = جناس همسان

(۸) کنایه:

فعلی در معنای اصلی خود استفاده نشود.

مثال: حیثیت مرگ را به بازی نگرفت ← کنایه

تذکر: در کنار فعل اعضای وجودی انسان یا حیوان قرار می‌گیرد غالباً سبب کنایه می‌شود.

لاجرم سپر انداخت: کنایه از تسلیم شدن
 دلبران میدان گشوده نظر که بر کنید اول که بندد کمر
 تذکر: سنگدل / گرسنه چشم / سیه دل / ناخن خشک = کنایه

۹) مجاز:

۱- مکانی داده شود منظور افراد مکان باشد.

مثال: جهان را سراسر سوی داد خواند

مجاز از مردم جهان

تذکر: ظرفی داده شود و منظور محتویات ظرف باشد.

مثال: دلا خموشی چرا چو خم نجوشی چرا

مجاز از محتویات خم

۲- اعضای وجودی:

الف) سر - سینه - کف - دم (نفس)

ب) چشم - گوش - دست - زبان - خون ...

اگر در معنای خود استفاده نشوند.

۳- تناسب‌های پشت سر هم که بینشان «واو» یا «ویرگول» ذکر شود مجاز هم دارد.

مثال:

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
 تناسب = مجاز / تناسب = مجاز

چشم و گوش را آن نور نیست (حس‌آمیزی) / از دست و زبان که برآید
 تناسب = مجاز / تناسب = مجاز

۴- کلمات قلم (کَلک) - چمن - خاک - فردا - نگین - حرف می‌توانند مجاز باشند.

قلم: نوشته یا شعر / چمن: گلستان / خاک: قبر - سرزمین - انسان / فردا: روز قیامت / نگین: انگشتر / حرف: سخن

۱۰) تشبیه:

۱- دیدن ادات تشبیه: مثل / مانند / چون (چو) / همچون (همچو) / به کردار - به سان - وار - وش

تذکر: چون (چو) معنای مانند بدهد.

۲- تکه‌تکه کردن شعر و بین جمله مثل یا مانند بگذاریم.

عشق دریایی کرانه ناپدید (عشق مانند دریایی = تشبیه)

۳- اضافه تشبیهی:

آتش عشق (عشق مانند آتش است)

تذکر: چراغ دل / آئینه قلب = تشبیهی

تذکر: فراش باد صبا را ... فرس زمردین بگسترده

اضافه تشبیهی

تذکر: ارکان تشبیه:

حسین در دلاوری مثل شیر است = چه کسی مثل شیر = حسین ← مشبه

ادات مشبهه

حسین در دلاوری مثل شیر است از چه لحاظ ← دلاوری = وجه شبه

مثال: چوبدستی منتشا مانند در دستش

چوبدستی مانند منتشا - وجه شبه ندارد

مشبه اادات مشبهه

اضافه‌های تشبیهی:

باران رحمت / خوار نعمت / پرده‌ی ناموس / فراش باد صبا / دایه ابر بهاری / بنات نبات / مهد زمین / قبای ورق / اطفال شاخ / کلاه شکوفه / دیوار امت / کعبه جلال / حله جمال / بحر مکاشفان / مکتب حقایق / ادیب عشق / مسر وجود / کیمیای عشق / نور عشق / دفتر زمانه / بنای ظلم / آتش عشق / خورشید جان / خرمن عمر / آئینه نگاهت / دیوار زندگی / نغمه محبت / عالم عشق / نمط عشق / مرکب شکر / مرکب صبر / مرکب اخلاص / گل‌های خیال / گل‌های الهام / گل‌های احسان / گل‌های شعر / مار حکومت / عقرب دموکراسی / چراغ علم / چراغ فلسفه / چراغ کلام / زندان شهر / مشت قلب / قندیل پروین / راه عشق / سموم عقل / کاسه زیبایی / کوچه‌های غم / کوچه‌های درد / گلیم تیره‌بختی / گل‌نقش امید / باران خورشید / دادگاه عشق / دیوار ملک / دشت دل / گل رویت / وادی طلب / وادی عشق / وادی معرفت / وادی استغنا / وادی توحید / وادی حیرت / وادی فقر / وادی قنا / آفتاب معرفت / گورستان شکم / شبستان درون / چاهسار گوش / صندوقچه سر / کشتی خیال / داغ عشق / بحر مکاشفت / تیغ جفا

تذکر: کلاه شکوفه - مشت قلب: اضافه تشبیهی هستند و با اضافه استعاری اشتباه نشود.

(۱۱) سجع:

کلماتی که در آخر دو جمله می‌آیند که یا حرف یا حروف آخر یکی هستند یا هم‌وزن هستند.

مثال: به خواری محکوم و از عدالت محروم = سجع

مثال: به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است.

آخر دو جمله عین هم باشد کلمه ماقبل آن بررسی شود.

مثال: از نام‌های حُسن، یکی کمال است و یکی جمال

(۱۲) تلمیح:

نام اشخاص تاریخی - کلمات خاص / اشاره به آیه یا حدیث

- آن کسی را در این ملک سلیمان کردیم
- خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد
مَلّت امروز یقین کرد که او اهرمن
ز اشک ویران گُنش آن خانه که بیت‌الحرز است

بیت‌الحرز: داستان حضرت یعقوب

دیو سپید: دیوی معروف در شاهنامه

ز نیرنگ هوا و از فریب آرز خاقانی

اینکه شیطان آدم و حوا را فریب می‌دهد و از بهشت می‌راند.

ابیاتی که اشاره به آیه یا حدیث دارد:

۱. هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

کُلّ شی یرجعُ الی اصله

۲. ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد
که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی

منارمَبْتِ اِذ رمیت و لکنَّ اللهُ رمی

۳. شی عَجاب: تلمیح از آیه قرآنی اِنَّ هَذَا لَشی عَجاب

(۱۳) تناقض (پارادکس):

۱- دو کلمه متضاد به وسیله کسره به هم بچسبند: حاضرِ غایب / پیدای پنهان

۲- دو عمل متضاد از یک نفر یا یک چیز سر بزنند. (در یک زمان یکسان)

۳- فعل یا صفت بالعکس:

- آتش سرد ← آتش گرم است نه سرد

نمونه مثال‌های کتاب:

۱. همچونی زهری و تریاکی که دید

۲. یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر
کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

۳. بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود
در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۴. خر زبان فهم
۵. دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید

۶. شاگرد همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید حاضر و غایب

۷. سموم سرد
۸. ریگ آموی پرنیان شد
۹. خورشید رفته است سرشب سراغ ماه
۱۰. لبریز زندگی نفس آخرت
۱۱. که بخشود بر بی‌گنه دادگر
۱۲. هیچ همچون پوچ عالی نیست
۱۳. غرق آتش شد کسی کانجا رسید
۱۴. هفت دوزخ همچون یخ افسرده‌ای است
۱۵. زبان بی‌زبانی
۱۶. پایان دریای بی‌کران
۱۷. باران خورشید
۱۸. تای بی‌همتا

۱۴) **تضمین:** که غالباً قسمتی از آیه یا حدیث عیناً ذکر می‌شود و یا جمله و شعری از شاعر یا نویسنده‌ای نقل قول می‌شود.

تذکر: تضمین‌های درس‌ها باید بررسی شود. (در مبحث معنا و مفهوم نوشته شده است)

۱. درس اول:

تضمین: عبارات عربی در متن درس

۲. درس هفتم (شعرخوانی):

گفتی به روزگاران مه‌ری نشسته گفتم بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران (تضمین از سعدی)

۳. درس نهم (کویر): بر همان مهر و نشان است که بود

گوهر مخزن اسرار همان است که بود
حقه مهر بدان مهر و نشان است که بود

۴. بوی غاز مستش کند که دامنش از دست برود: سعدی

۵. کباب غاز (درس شانزدهم): کان لم یکن شیئاً مذکوراً ← تضمین از آرایه قرآنی

۶. کباب غاز: از ماست که بر ماست: تضمین از شعر ناصر خسرو

۷. درس هفدهم (قلمرو): چه خوش فرمود آن پیر خردمند (حافظ)

«لب خندان بیاور چون لب جام»

۱۵) **ایهام:** کلمات ایهام‌دار در بررسی معنا و مفهوم نوشته شده است.

کلمات ایهام‌دار کتاب دوازدهم عبارتند از:

درس اول:

روی: ۱. چاره ۲. امکان ۳. راه / بیدار: ۱. خواب نیست ۲. آگاه است

درس دوم:

مدام: ۱. شراب ۲. دایمی / هوا (ایهام تناسب): ۱. میل و آرزو ۲. آب و هوا ۳. عشق و حمایت

درس پنجم:

میان: ۱. کمر ۲. وسط

گشت: ۱. گردش کردن ۲. شد / فسرده: ۱. منجمد ۲. افسرده و غمگین

درس ششم:

شانه (ایهام تناسب): ۱. کتف ۲. وسیله‌ای برای مرتب کردن مو

درس هفتم:

سودا: ۱. تجارت ۲. دیوانگی (که عشق خوش سودایی است)

حلقه (ایهام تناسب): ۱. دستگیره در ۲. زنجیر (می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را)

هوا: ۱. عشق ۲. حمایت

درس نهم:

گرم: ۱. داغ ۲. صمیمی / تاب: ۱. قرار ۲. نور / خاموش: ۱. ساکت ۲. بدون نور / چادرها: ۱. خیمه ۲. پوشش زنانه

درس دهم:

بو: ۱. بو ۲. نشان / داغ (ایهام تناسب): ۱. سوگ، غم ۲. بسیار گرم

قرار: ۱. قرار و آرامش ۲. قرار گذاشتن

درس یازدهم:

نظامی: ۱. انسان نظامی (ارتشی) ۲. شاعر بزرگ قرن ششم

قصرشیرین: ۱. قصری که از آن شیرین است ۲. نام شهری در استان کرمانشاه

مُسلم: ۱. مسلم‌بن عقیل ۲. قبول شده

درس دوازدهم:

دستور (ایهام تناسب): ۱. وزیر ۲. فرمودن

مدار (ایهام تناسب): ۱. مدار (فعل نهی) ۲. جای دور زدن و گردش

تندی (ایهام تناسب): ۱. با سرعت ۲. خشم (متناسب با کلمه جنگ)

شاه نو: ۱. شاهی که عمر نو و تازه یافته ۲. شاه جوان

پاک: ۱. بدون خاک و غبار ۲. پاک و پاکیزه

درس سیزدهم:

کانون (ایهام تناسب): ۱. جمع ۲. آتشدان در ارتباط با گرم

گرم (ایهام تناسب): گرم و صمیمی ۲. داغ و گرم در ارتباط با کانون

ایران‌شهر: ۱. کشور ایران ۲. شهر ایران‌شهر (شهری در سیستان)

نابردار: ۱. ناتنی ۲. نامرد / پستان: ۱. چاه پست و عمیق ۲. چاهی که انسان‌های پست می‌کنند

درس شانزدهم:

صرف کردن (ایهام تناسب): ۱. بیان کردن ۲. خوردن
 روی: ۱. سطح و رویه ۲. چهره / داغ (ایهام تناسب): ۱. نشان ۲. بسیار سوزان (شعر آخر کتاب) / ارکان: ۱. اندام ۲. عناصر چهارگانه
 تذکر:

سجع: درس اول - هفتم

اغراق: درس دوازدهم / معناهای کنایی: درس کباب غاز

مجاز: درس دوازدهم (مجاز به علاقه محلیه = مکان)

لغات و املاء

حواسمان باشد که بعضی از درس‌ها از دید لغات و املاء بسیار مهم هستند سعی کنید تمام موارد این درس‌ها بررسی شود.

این درس‌ها عبارتند از:

(۱) درس اول (۲) درس پنجم (دماوندیه) (۳) درس هفتم (از پاریز تا پاریس) (۴) درس سیزدهم (خوان هشتم) (۵) درس شانزدهم (کباب غاز)

البته این موضوع، به این معنا نیست که درس‌های دیگر بررسی نشود.

بررسی درس‌ها از دید لغات و املاء

درس اول: قسیم / جدیم / ندیم / و نیم / انابت / مکاشفت / مراقبت / خلعت / ربیع / باسق / ناک / فایق / ثنا / شرور / جود / مفتاح
 مُمد / مطاع / صفوت / اعراض / تضرع / دُجی / وظیفه / نبات / حلیه / بنان / کلک

املاء مشابه درس اول:

حیات ≠ حیاط	صبا ≠ سبا
منسوب ≠ منصوب	مُنکر ≠ مُنکر
بهر ≠ بحر	ثنا ≠ سنا
خوان ≠ خان	مطاع ≠ متاع
بط ≠ بُت	نصر ≠ نثر

املاء غیرمشابه:

فاحش	مستغرق
زمرّدین	مهد زمین

قدوم
عاکفان

شفیع
فرو گذاشت

درس دوم:

لغات درس: داروغه / محتسب / خانهٔ خمار / غرامت / حدّ / دارملک / مدام / تزویر

املاء مشابه:

قاضی ≠ غازی (قضا - غزا - غذا) سرای ≠ سُرّای (سرودن)
شرع ≠ شرح جامه ≠ جامع
صواب ≠ ثواب عار ≠ آر

درس سوم:

لغات درس: همّت (معانی مختلف آن) / بیت‌ال‌حزن / اهرمن / طایر قدس / احداث

املاء مشابه:

سلاح ≠ صلاح قُله ≠ غُله
فِراق ≠ فِراق اسیر ≠ عصیر ≠ اثیر
غربت ≠ قُربت

درس پنجم:

لغات درس: نحس / سعد / آوند / ضماد / معجر / اورند / گرزّه / شرزه / ارغند / سیفله (دون = فرومایه) / سریر / هتّاکّی / فسرده

املاء مشابه:

اساس ≠ اثاث متبوع ≠ مطبوع
ستوران ≠ سطوران قریب ≠ غریب
زل ≠ دُلّ بعث ≠ بحث

املاء غیر مشابه:

هَرَج و مَرَج مطبوعات
بروز سلانه سلانه

درس ششم:

لغات درس: نفیر / حریف / دستور (معانی مختلف آن) / پرده / تریاق / سور / حضرت / می‌گشود (خاموش می‌کند) / شرحه شرحه

املاء مشابه:

آسرار ≠ اصرار مستور ≠ مسطور

قصه ≠ عُصَه سور ≠ صور

قرب ≠ غرب

املاء غیرمشابه:

مصدق اسلوب معادله ظَن (مظنون)

درس هفتم:

لغات درس: مأوی / غایت / در سامان / قُوت / ممت / سودا / شیدا / بُرنا / مُحِب

املاء مشابه:

قُوت ≠ قَوْت فرض ≠ فرز لحن ≠ لعن

درس هشتم:

(بررسی شخصیت‌ها و شهرها مثل آتن - بروکسل - روم - حبشه - قلب آفریقا)

لغات درس: اتراق / تداعی / کازیه / طیلسان / غاشیه / جراره / غایت / دموکراسی / کی (پادشاه) / پیر مغان / مستعجل / طاق / استبعاد / پانوراما / رواق / مرکب / نمط

املاء مشابه و غیرمشابه:

الاع تور / چریغ آفتاب / حواله / تحریر / قطور / صباحی / هاضم ≠ عازم = حازم / اعتصاب / خضر ≠ خزر / پاریز / ادهم / تذکره

درس نهم:

لغات درس: تموز / مشایعت / ماورالطبیعه / استشمام / تلالو / نشئه / سموم / اسرا / قاش / کُهر / کرد / طفیل / بِن / گردّه / عدلیّه

ریگ آمو / مدرس / گلدسته / عشیره / شبه / فقه / یغما

املاء مشابه و غیرمشابه:

بِن ≠ بِن / سَموم ≠ سُموم / اسرا ≠ اسرا / حوزه ≠ حوضه / خاستن ≠ خواست

نظاره / تلقی / تعبیر / قدس / گشت و گذار / شیهه / زغال / حصر / قشقایبی / مواهب / تهویه

ن ا ت س ع
ض ط ص ع ه
ق ر ب ا
خ ن ر م ا

درس دهم:

لغات درس: پالیز / کرامت / زخمیه / داهیه

- املاء: گذاردن
- (۱) قرار دادن: کتاب را روی میز گذارم
 - (۲) اجازه دادن: مگذار که درس نخوانم
 - (۳) وضع کردن: سپاس ~~گذار~~ / قانون ~~گذار~~

تذکره: فره گذاشت

گزاردن: ادا کردن - خواندن

تذکره: برگزاری

خاستن: بلند شدن - ایجاد شدن

تذکره: برخاست

خواستن: طلبیدن

او خواست که درس بخواند

درس یازدهم:

لغات درس: زشر / پگه / جناف (جناف) / احمایل / خشاب / دیباجه / شبح / منقاعد / موبد / انصار

املاء مشابه و غیرمشابه:

جناف = جناف (هر دو حال درسته)

ظفره / حیثیت / خزین

شبه = شبح

درس دوازدهم:

لغات درس: آرم / هیون / تازی / نطاول / چشم / زوال / خاستن / سمن / اعجم / گرت / مکاید / موبد / نماز بردن / دهش / سپردن / طرح افکندن

املاء مشابه و غیرمشابه:

سپردن ≠ سپردن / خوار ≠ خوار / سمن ≠ سمن / ثمن ≠ ثمن / عو ≠ عو / زوال (زایل)

عناف / پیش / سبو / فرهختگی

بـالفـ:

صرا: درست خط

سپردن

الفـ یا خط صرافیت
ماتنت

فداد: مهر

پویدن

درس سیزدهم:

لغات درس: رجز / سورت / هریوه / ناورد / منتشا / ضجّه / تگ / ماث / سنان / غدر / زال زر / داستان / مرتعش / همگنان

تهمتن / تاروپود

املاء مشابه و غیرمشابه:

غدر ≠ قَدْر ≠ قَدَر / گَرْد ≠ گُرد ≠ گَرْد / عیار ≠ ایار (از ماه‌های رومی) / هول ≠ حول / هایل ≠ حایل
زال ≠ ضالّ / طاق ≠ تاق / تاَمَلّ ≠ تحَمَل / تاروپود

درس چهاردهم:

لغات و املاء:

اقلیم / افسر / شهریار / مهرورزی / شگرف / زوال / دل‌باخته / قضا را (اتفاقاً) / تعب / صدر / افسرده / تفرید / تجرید / استغناء /
سروش / قبا / آز / خُلد / مصاحبت / زاد / مخاصمت / اعانت / مقالات / کلان‌تر / مجمع / هائف / سالک / تلمیح / سرکش

املاء مشابه و غیرمشابه:

خُرد ≠ خِرْد ≠ خورد	اعانت ≠ اهانت	شست ≠ شصت	زمان ≠ ضمان (ضمانت)
صد ≠ سد	خویش ≠ خیش	سفر ≠ صفر	گَرده ≠ گُرده
عالی ≠ آلی	تبعی	سنایی	عذر - معذور - اعتذار
قضارا			

درس شانزدهم

لغات و املاء:

تنبوشه / آزرگار / معهود / اثنا / بحبوحه / مالوف / محظوظ / بلامعارض / مضغ / ولیمه / آسمان‌جل / استیصال / انضمام / اعلا / بادی
/ بدقواره / بذله / برجک / درزی / دوری / دیلاق / سکندری / جبهه (جبین) / بقولات / ترفیع / تصنعی / شکوم / عاریه / گسل /
ماسیدن / مایتعلق به / محظور / معوج / واترقدین

املاء مشابه و غیرمشابه:

مألوف / معلوف	قالب / غالب	عمارت / امارت	ایا / عبا
ازل / عزل	صَرَف / صرف	تهلیل / تحلیل	مُنکر / منگر
صله ارحام	قلنبه	توطئه	برغان

زواید	تذکار	وقار	حقّه
زوايا	عتاب	عیال	عریضه
وقاحت	متفرّعات	اتباعی	معیت
شقاوت	طنین	دباغی	نغز ≠ نقض
ارتقاء	غلیان ≠ قلیان		

درس هفدهم:

لغات: آخته / ذی حیات / سرحد / مُعَمَّر

املاء مشابه و غیر مشابه:

ذی ≠ زی	جُورُ ≠ جُور	حد ≠ حدّ
متنبّه	تطبیق	تبسم

درس هجدهم:

لغات: ابهت / اعلان / بیشه / سجایا / صحیفه / افسرده / جبین / روایی / جلی / متنیه شدن / مُعَمَّر

املاء مشابه و غیر مشابه:

رسا ≠ رثا	متأثر ≠ متعصّر	مغلوب ≠ مقلوب	مأمور ≠ معمور
راضی ≠ رازی	مایه ≠ مایع	قرص ≠ غرس	سالخوردگی
غلغله و همهمه	اهتزاز	ستبر و زمخت	توزیع
رعب (ارعاب - مرعوب)	ترسیم	اهتمام	

نکات باقیمانده لغات و املاء:

درس اول (ستایش):

۱. مَلْک: پادشاه ≠ مُلْک: سرزمین / مَلْک: فرشته

۲. فزایی: می افزایی ≠ فضایی

۳. شبه: مانند (اشباه) ≠ شیح: سایه (اشباح)

۴. قربت: نزدیکی ≠ غربت

درس دوم:

مجازات شرعی
 اکراه - واعظ - هان - ذوالجلال - حد
 حد، حدود

درس سوم:

مسلک (طریقه = روش) / سحر ≠ سحر (جادوگری) / راضی (خشنود) ≠ رازی (اهل رازی) / جیب ≠ جیب (یقه - گریبان)

درس پنجم:

ظہیر / پس افکند / شیر سپهرگردون - فلک - آسمان / تزویر
 قلّه ≠ غلّه / بستان (بگیر) ≠ بستان (بوستان) / قالب: (قالب شعری - جسم) ≠ غالب: چیره
 نعل ≠ نحل (زنبور عسل) / عن قریب / بُهت

درس ششم:

مستغرق = بزم (سور) - زیب النساء / غنا (غنی = توانگری) ≠ غنا: سرود و موسیقی / برحسب

درس هفتم:

لحن ≠ لعن (لعنت) / غزل ≠ ازل (زمان بی آغاز) / تمهیدات / ضیافت / حیات ≠ حیاط
 درس هشتم: لغات و املاء

بیت القصوا / طاق ≠ تاق / نواحی ≠ نواهی / امان ≠ عمان / طور ≠ تور

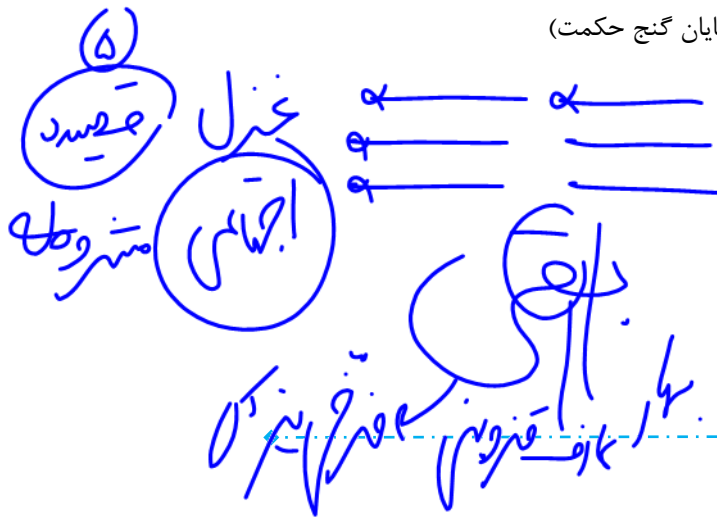
درس نهم: لغات و املاء

گرده ≠ گرده / غلم ≠ آلم / صخره: سُخره / قندیل

صفای اهورایی / استنباط / سخاوت / آموی / ریگ

درس دوازدهم: ارتفاع / درس شانزدهم: نهار ≠ نهار

تاریخ ادبیات



۱. آثاری که در پایان هر درس نوشته شده است (یا در پایان گنج حکمت)

۲. غزل اجتماعی (در قلمرو)

۳. ویژگی‌های حماسه (در قلمرو)

۴. داستان گذر سیاوش از آتش

۵. داستان خوان هشتم

۶. داستان سی مرغ و سیمرغ

۷. داستان کباب غاز

بررسی آثار:

۱. گلستان: سعدی / گلستان = باغ / سعد: خوشبخت

(کسی باغی داشته باشد خوشبخت است)

۲. کلبله و دمنه: ترجمه نصرالله منشی

(کلبله و دمنه چه اسم خفنیه ← پس حتماً ترجمه می‌خواد ← خدا را باید یاریش کند که ترجمه کند (نصرالله) = یاری خدا)

۳. شعر دماوندیه (قصیده): محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)

(بهار بری دماوند چه صفایی داره)

۴. قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو (نه شیرین نه فرهاد هیچ کدام عرب نبودند)

قصه = داستان = نثر

۵. مولوی (مولانا): ۱) مثنوی معنوی (نظم) ۲) فیه مافیه (نثر)

(مولوی - مثنوی - معنوی = وی وی / فی فیها نثر)

۶. فی حقیقة العشق: شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شهاب: جرقه عشق)

۷. تمهیدات: عین‌القضاة همدانی (تمهید: آمادگی برای قاضی شدن = قضاة)

۸. از پاریز تا پاریس: دکتر باستانی پاریزی (هم پاریس هم پاریز باستانی و قدیمی هستند)

۹. روایت سنگ‌سازان: عیسی سلیمان‌آبادی (سنگر - ساز - عیسی - سلیمان = همه حرف «س» دارند - عیسی سنگر را آباد کرده)

۱۰. کویر (نثر): دکتر علی شریعتی (علی مدام در کویر بود)

۱۱. بخارای من ایل من (نثر): محمد بهمن بیگی (بیگ و بزرگ ایل، بهمن آقا بود)

۱۲. حاج ملا هادی سبزواری: دانشمند علوم اسلامی و شاعر قرن سیزدهم تخلص «أسرار» بود (هم حاجی هم ملا، حتماً هادی و

هدایتگر بود و أسرار زیادی داشت)

۱۳. تاریخ بیهق: نام کتابی در مورد تاریخ و جغرافیای بیهق (سبزوار) در قرن ششم (حواست باشه «تاریخ بیهقی» با «بیهق» فرق دارد).
۱۴. آواز پر جبرئیل: شیخ شهاب‌الدین سهروردی (ارتباط بین جرقه دین با جبرئیل)
۱۵. دری به خانه خورشید (شعر): سلمان هراتی (هرات شهری است در شرق خورشید هم از شرق طلوع می‌کند)
۱۶. تیرانا: مهرداد اوستا (محمد رضا رحمانی) - (تیرانا = اوستا)
۱۷. سانتاماریا: مجموعه آثار (نثر) = سید مهدی شجاعی
(کسی که «مار» را سانت می‌کند باید خیلی «شجاع» باشد)
۱۸. شکوه چشمان تو (قصیده): مرتضی امیری اسفندقه (چشم امیر و مرتضی چه شکوهی داشت)
۱۹. خوان هشتم: در حیاط کوچک پاییز در زندان = مهدی اخوان ثالث: سه برادر (اخوان ثالث) هشت سال در زندان بودند.
۲۰. ای میهن: نظم (غزل) ← ابوالقاسم لاهوتی (اسم فردوسی) «ابوالقاسم» بود که عاشق میهن خود بود.
۲۱. عطار:
- (۱) تذکره الاولیاء (زندگی نامه بزرگان)
- (۲) الهی نامه
- (۳) منطق الطیر (زبان پرنده)
- (عطار چون از اولیاء الهی بود زبان پرندگان را می‌دانست).
۲۲. کباب غاز (نثر): محمدعلی جمالزاده (از زبان خود نویسنده = متکلم وحده)
۲۳. ارمیا (نثر): رضا امیرخانی (ارمیا را بالعکس کنی میشه امیرخان)
۲۴. غزلواره (نظم): شکسپیر (غزل شعر رمانتیکه = شکسپیر هم رمانتیکه)
۲۵. قصه‌های دوشنبه (نثر): آلفونس دوده (دوشنبه = دوده)
از روی قصه‌اش میشه فعمید که نثره)
قصه‌های دوشنبه = ترجمه عبدالحسین زرین کوب (قصه دوشنبه مثل طلا و زر بارزشه)
۲۶. مثل درخت، در شب باران، محمد رضا شفیعی کدکنی (م سرشک) = شفیعی در شب بارانی، زیر درختی مدام سرشک (اشک) می‌ریخت.
۲۷. قصه بینوایان: ویکتور هوگو
۲۸. سندبادنامه: ظهیری سمرقندی (سندباد مدام به سمرقند می‌رفت)

۲. موضوع دوم تاریخ ادبیات

۱. غزل اجتماعی: به غزل‌هایی که محتوای آن مسایل سیاسی و اجتماعی باشد (چون غزل قانوناً عاشقانه) است.
سؤال: در کدام دوره ← عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌ها

شاعران غزل اجتماعی ← بقی (ب: بهار / ق: عارف قزوینی / ی: فرّخی یزدی)

۲. محمدتقی بهار: شعر دماوندیه - در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی سرود در سال ۱۳۰۱ با تحریک بیگانگان هرج و مرج قلمی و اجتماعی و هتاکی در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت مرکزی)

سؤال: بهار شعر دماوندیه را با توجه به چه مباحثی گفته بود؟ (جواب عبارات خط کشیده شده در پاراگراف بالا)

۳. ویژگی‌های حماسه: (۱) قهرمانی (۲) خرق عادت (۳) ملی

(۱) هر داستانی قهرمان داره = قهرمان درس گذر از آتش = سیاووش

(۲) خرق عادت (اغراق‌گنده و دور از ذهن) = وجود سیمرغ - عمر هزارساله زال و هر چیز که با عقل جور درنیاید.

بیامد دوصد مرد آتش‌فروز دمیدند گفتمی شب آمد به روز

(۳) ملی: همان ملیت ← وجود پرچم (درفش - اختر کاویانی - علم - بیرق = راست)

عید نوروز / تاجگذاری پادشاه

در درس گذر سیاوش: (۱) شخص بی‌گناه آسیب نمی‌بیند

چنین است سوگند چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند

کافورزدن

(۴) آمادگی برای مرگ

کفن پوشیدن

(۵) سوگند یاد کردن شاه به عنوان داور و ناظر

بدان گناه سوگند پرمایه شاه چنین بود آیین و این بود راه

موضوع سوم تاریخ ادبیات

درس‌های داستانی: (۱) گذر سیاووش از آتش (۲) خوان هشتم (۳) سی مرغ و سیمرغ (۴) کباب غاز

(۱) گذر سیاووش از آتش:

۱- کیکاووس (پادشاه ایران) - ۲ موبد (روحانی زرتشتی = مشاور یا وزیر) - ۳ سودابه (دختر هاماوران = یمن ← همسر کیکاووس)

۴- سیاووش (پسر کیکاووس)

خلاصه داستان: سیاووش فرزند کاووس (شاه خیره‌سر کیانی) که بعد از تولد رستم او را به زابل (سیستان) می‌برد و رسم پهلوانی و جنگ (رزم) و شادی (بزم) را به او می‌آموزد، سودابه عاشق و شیفته سیاووش می‌شود و پیشنهاد نامشروعی به او می‌دهد. سیاووش که مظهر شرم و حیا (آزرم) و پاکدامنی است تن به گناه نمی‌سپارد و سودابه او را متهم به تجاوز می‌کند و کیکاووس با پیشنهاد مشاور خود (موبد) دو نفر را با هم در رو می‌کند و قرار است یکی از این دو نفر از میان آتش بگذرند، سیاووش اعلام آمادگی می‌کند. کیکاووس دستور می‌دهد که هیزم جمع کنند و آتش را برافروخته کنند و سیاووش با لباس آماده رفتن در میان آتش

است قبل از رفتن در میان آتش از اسب پیاده می‌شود و به پدر خود نماز می‌کند (تعظیم می‌کند) و سیاووش وقتی در میان آتش می‌رود مردم ایران فریاد و زاری می‌کند و با خارج شدن از میان آتش، بی‌گناهی خود را اثبات می‌کند و سودابه محکوم می‌شود.

سؤال: پیشنهاد نامشروع سودابه به سیاووش = اشاره به داستان یوسف و زلیخا

سؤال: گذر سیاووش از آتش = داستان حضرت ابراهیم (ع) و عبور از میان آتش

پایان داستان: سیاووش سربلند و بی‌گناه شناخته می‌شود و سودابه روسیاه می‌شود.

۲) خوان هشتم:

شخصیت‌های داستان: ۱) رستم (تهمتن) = مظهر مرد و مردانگی (۲) شَغاد (نابردار رستم) = مظهر نامردی (کینه و انتقام)
توضیح شخصیت‌های فرعی داستان:

۱. زال (پدر رستم): دو لقب دارد: ۱) زر (به خاطر موی سپید) ۲) دستان (به خاطر مکر و چاره‌اندیشی)

۲. رخس (اسب رستم): که به همراه رستم در داخل چاه می‌افتد

تذکر: «تهمتن» لقب رستم (تهم = بزرگ + تن) تن بزرگ و صاحب و سوار رخس

تذکر: راویان شاهنامه: ۱) ماخ سالار (۲) زادسرو

هفت خوان رستم را آزاد سروسستانی (ماخ سالار) روایت کرده است.

- خوان هشتم را «ماث» مهدی اخوان ثالث نقل می‌کند.

تذکر: سهراب و سیاووش و تختی: سه شخصیت نمادین درس هستند که به نامردی کشته شده‌اند.

خلاصه داستان رستم و شغاد:

۱. شَغاد (پسر زال) نابرداری (۱) برادر ناتنی (۲) نامرد) است که نماد انسان نامردی است که برای رستم چاهی می‌کند و گل چاه را با نیزه‌ها (سنان) و خنجرها و زهر مارها پُر می‌کند و سر چاه را با خس و خاشاک می‌پوشاند و رستم را دعوت به شکار می‌کند و رستم به همراه رخس در طول مسیر در داخل چاه سقوط می‌کند و رستم مُدام به رخس می‌اندیشد در حالی که تن رستم پر از زخم است رخس در داخل چاه می‌میرد و شَغاد در بالای چاه شروع به رجزخوانی برای رستم می‌کند و رستم قبل از مرگ شغاد را با تیر و کمان به هم می‌دوزد (می‌کشد).

حفر چاه: نماد نامردی است امروزه می‌گوییم که برای دیگران چاه نکن (اینکه هرکس برای دیگران چاه بکند اول خودش در چاه می‌افتد)

۳) سی مرغ و سیمرغ:

شخصیت‌های داستان:

۱- سیمرغ: نماد تکامل (معشوقه ازلی = خدا)

۲- هُدهُد: نماد مرشد و رهبر

۳- طاووس: نماد افراد متظاهر و خودشیفته

۴- بلبل: نماد عاشقان مدعی (عاشقانی که عشقشان دنیایی و مجازی هستند)

۵- باز: نماد شیفتگان مقام دنیایی که دنبال قدرتمندان هستند.

۶- مرغان: نماد سالکان (روندگان راه عشق)

خلاصه داستان: پرنده‌گان دنبال شاهی و بزرگی هستند و هُدهُد سیمرغ را به مرغان معرفی می‌کند و از خطرات راه و رسیدن به معشوقه می‌گوید و جایگاه سیمرغ در بالای کوه قاف (ناکجاآباد)، بلندترین کوه زمین است و هُدهُد می‌گوید که سیمرغ در زیبایی و خرد (عقل) همتایی ندارد (نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی) و پری از سیمرغ در کشور چین می‌افتد ... پرنده‌گان وقتی از مشکلات راه، آگاه می‌شوند صرف‌نظر می‌کنند و هُدهُد پرنده‌گان را متقاعد می‌کند بلبل می‌گوید که عاشق گل است و طاقت عشق سیمرغ را ندارد. هُدهُد می‌گوید که عشق‌ورزی کار راستان است اما وقتی عشق پر عظمتی چون سیمرغ وجود دارد چرا به دنبال عشق‌های ناپایدار است.

به قول سعدی آنچه نباید دلبستگی را نشاید. بعد با پرنده «باز» سخن می‌گوید و «باز» می‌گوید که من برای نزدیک شدن به پادشاه کَلّی زحمت کشیده است و جایگاهش بر شست پادشاهان است.

در ادامه با طاووس سخن می‌گوید طاووس می‌گوید که جایگاهش در جنت (بهشت = فردوس = خلد) می‌باشد همنشینی با مار سبب شده است که از بهشت رانده شود و می‌خواهد دوباره به بهشت برگردد اما هُدهُد او را منصرف می‌کند که وقتی می‌توانی با خورشید (معشوقه ازلی) سخن بگویی چرا با ذره (عشق بی‌ارزش) سخن می‌گویی.

سی‌هزار مرغ از سی‌گونه پرنده پرواز می‌کنند و بعد از طی هفت وا‌دی همه فنا می‌شوند و سی مرغ باقی می‌مانند که وقتی به خودشان نگاه می‌کنند می‌بینند خودشان جزئی از وجود معشوقه ازلی و سیمرغ واقعی هستند.

۴) کباب غاز:

جمالزاده داستان را از زبان خود (متکلم وحده) بیان می‌کند و داستان طنز است. در پایان پیام کَلّی درس «از ماست که بر ماست» می‌باشد اینکه هر بلایی بر سرمان می‌آید ناشی از اعمال و کردار خودمان است.

آتش به دو دست خویش در خرمن خویش من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش

سؤال: عبارت «از ماست که بر ماست» برگرفته از شعر «ناصر خسرو» می‌باشد.

سؤال: شخصیت آقامصطفی دارای چه القابی است؟

بیشتر صفات و القاب زشت شامل آقامصطفی است.

۱. آسمان جُل (فقیر و بدبخت)

۲. آقای استادی (به طنز)

۳. شی عَجاب (شی عجیب و غریب)
 ۴. لباس جیر برآق صاحب‌خانه را می‌پوشد و چون طاووس مست داخل می‌شود.
 ۵. صاحب‌خانه سیلی بر گوش آقامصطفی می‌زند.
 ۶. پسرعموی صاحب‌خانه
 ۷. آقامصطفی واتر قیده‌اند (تنزل قیافه)
 ۸. قد کج و معوج و پوتک و پوزش کریه شده‌اند.
 ۹. شلوارش به اندازه یک وجب خورد رفته بود.
 ۱۰. کودن و چلمن

بررسی معنا و مفهوم (قلمرو فکری – زبانی)

– حواسمان به کلماتی که در نظم و نثر به دو یا چند شکل مختلف معنا می‌شوند باشد، که عبارتند از:

(۱) همّت	(۲) اندیشه	(۳) دستور	(۴) طاق
(۵) خوار	(۶) حریف	(۷) قوت (قوّت)	(۸) خوان (سفره – مرحله)
(۹) سپردن (سپردن)	(۱۰) تقصیر		

(۱) همّت: تلاش – کمک و یاری

همّت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود
 تلاش

(۲) اندیشه: ترس – فکر و اندیشه

۱- غلام عشق شو کاندیشه این است / همه صاحب‌دلان را پیشه این است
 اندیشه: فکر و اندیشه

۲- چو شب تیره گردد شیخون کنیم / ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم
 اندیشه: ترس (احساس ترس و بیم)

(۳) دستور: ۱- وزیر ۲- اجازه – رخصت ۳- فرمان

۱- لیک کسی را دید جان دستور نیست (اجازه نیست)

۲- بر مصطفی بهر رخصت دوید / از او خواست دستوری اما ندید
 اجازه

۳- به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت صد کاروان
 به وزیر گفت

۴- چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور

دستور (وزیر) با جمشید چه نیکو گفت

تذکر: دستور معنای «راهنما» هم می‌دهد.

۴) طاق: ۱- تنها (متضاد جفت) ۲- نوعی سقف (خمیده)

۱- طاق پذیر است عشق جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه

عشق جفت نیست پذیرنده تنهایی است.

۲- نهاده به طاق اندرون تخت زر / نشانه به هر پایه‌ای در گهر

به طاق اندرون: در طاق تخت زر نشانده ← نوعی سقف

۳- چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است = ابروی معشوق مانند طاق (سقف) است.

۵) خوار: خوار و ذلیل - به آسانی

۱- از این تنگ خوار است اگر بگذرم ← اگر از این عبور کنم بسیار آسان است

۲- به زاری و خواری، دست به دامان پادشاه شد ← به ذلت و خواری

۶) حریف: همدم - مبارز

۱- نی حریف هر که از یاری برید ← نی همدل هر شخصی است

۲- در معرکه رجز می‌خواند و حریف می‌طلبید ← مبارز

۷) قوت در مقابل ← قوت

قوت: غذا / قوت: نیرو - توان

۱- پروانه قوت از آتش خورد ← غذا

۲- مردان بارابه قوت و بازو بردارند ← قدرت

۸) خوان: سفره - مرحله

۱- خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده (گسترده شده) ← سفره

۲- هفت خوان درس را طی کردم ← مرحله

۹) سپردن: طی کردن - عبور کردن - لگدمال کردن / سپردن: تحویل دادن

۱- اگر کوه آتش بود بسپرم ← طی می‌کنم (عبور می‌کنم)

۲- بدرید و بسپرد محضر به پای ← استشهدانامه را زیر پا گذاشت (لگدمال کرد)

۱۰) تقصیر: گناه - کوتاهی

۱- بنده همان به که ز تقصیر خویش غدر به درگاه خدای آورد ← گناه

۲- واصفان درگاه خدا به تقصیر عبادت معترف ← کوتاهی در عبادت

تذکر: شاید کلمه «تقصیر» نیازی به موشکافی ندارد ولی در هر حال حواسمان باشد.

نمادها در کتاب دوازدهم

۱. مرغ سحر (بلبل): مرغ عشق (کسی که در ظاهر ادعای عشق می‌کند)
۲. گل: معشوق
۳. پروانه: عاشق واقعی (عاشق بی‌ادعا)
۴. شمع: معشوقه
۵. ماهی: عاشق واقعی
۶. آب: عشق (معشوقه)
۷. واعظ - صوفی - زاهد: نماد عابد ریاکار
ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد
- آب: نماد زلال و روشنایی
- آفتاب: نماد معنویت و تعالی روح
۸. باد صبا (نسیم سحر): نماد قاصد و پیک
- ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست
۹. دماوند: نماد مردم (ملت)
۱۰. مش: نشان قیام
۱۱. آسمان (سپهر): نماد حکومت دوران شاعر بزرگ «بهار»

در درس نی نامه:

۱۲. نی: روح انسان - مولانا
۱۳. نیستان: عالم معنا
۱۴. مجنون: نماد عاشقان واقعی
۱۵. آتش: نماد عشق (در شعر عرفانی) ← در شعر غیرعاشقانه مثل شعر دماوندیه: نماد خشم
در درس کاوه: نماد ظلم
۱۶. هوش: عشق
۱۷. بی‌هوش: عاشق
۱۸. خام: عاشق مبتدی
۱۹. پخته: عاشق کامل (عارف)

در درس دهم: (در این درس مکان‌ها: برزخ - باغ - ایران قبل انقلاب و بعد انقلاب

۲۰. شب: نماد ظلم و ستم

۲۱. غبار و غربت: نماد امور مادی

۲۲. جویبار و باران: نماد آزادی و معنویت

۲۳. بهار: نماد آزادی و پیروزی

۲۴. رود: نماد مبارزین انقلابی

۲۵. دریا: نماد اتحاد (عالم معنا)

♦-----♦

درس خوان هشتم:

۲۶. شغاد: نماد انسان نامرد - ریاکار - خائن - کینه

۲۷. رستم: نماد مردی و مردانگی

درس سی مرغ و سیمرغ: نماد درس‌های تاریخ ادبیات نوشته شد

درس هفدهم:

۲۸. گل سرخ و سوسن: نماد عشق و محبت

در شعر: گلّه ما را گله از گرگ نیست کاین همه بیداد شبان می کند

۲۹. گرگ: نماد دشمن / شبان: نماد حاکم

♦-----♦

۳. موضوع سوم:

کلماتی که دارای استعاره مُصرّحه می‌باشند معنا و مفهومشان بررسی شود.

درس اول:

۱. فرش زمرّدین: استعاره از سبزه و چمن

۲. درخت گل: استعاره از معرفت الهی

۳. بوی گل: استعاره از درک الهی

درس پنجم (دماوندیه)

۱. ای دیو سپید

۲. ای مشت زمین

۳. ای دل زمانه


۴. ای مادر سرسپید = استعاره از کوه دماوند

۵. سوخته جان / ۶. فرزند سیاه‌بخت: استعاره از خود شاعر (بهار)
۷. سیم (نقره) - کافور: استعاره از برف
۸. آهن: استعاره از سنگلاخ‌ها (جاهای برف نباریده)
۹. ورم: استعاره از بلندی کوه
۱۰. آتش: استعاره از خشم و خروش (آشفشان کوه دماوند)
۱۱. ستوران: استعاره از افراد پست
۱۲. بنا: استعاره از ظلم (مصرع اول شعر)

درس نهم:

۱. نیستان: استعاره از عالم معنا
 ۲. آتش (در مصرع دوم): استعاره از عشق
 ۳. پخته: استعاره از انسان عارف
 ۴. خام: استعاره از انسان بی‌بهره از عشق
 ۵. خورشید: استعاره از شمس تبریزی (خورشید اندر چاه شد)
- تذکره: بر شعر عاشقانه «گدا» نماد عاشق و «شاه» نماد معشوقه است.

عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را



درس هفتم:

۶. داغ: استعاره از عشق ← صبر بر داغ دل سوخته باید چو شمع
۷. ستاره: در شعر: لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران ← استعاره از دندان‌ها
۸. ای جویبار جاری زین سایه برگ مگریز
استعاره از معشوقه استعاره از عاشق

۷. درس کویر:

۱. دریای سبز معلق - آن باغ پر از گل ← استعاره از آسمان
۲. درخت: استعاره از حکمت (اما در آستانه میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود)

درس دهم:

۱. باغ: استعاره از ایران

۲. برزخ سرد: استعاره از ایران
۳. نسیم: استعاره از حرکت و مبارزه
۴. مرغ غمین: استعاره از مبارزان غمگین (ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه)
۵. میوه‌های شیرین: استعاره از خوبی (هر تابستان از میوه‌های شیرین و سایه دلپذیر)
۶. زر: استعاره از نور
۷. گوهر: استعاره از باران (خورشید بر سر تو زرافشانی و ابر گوهر)

درس یازدهم:

۱. محضر: استعاره از روز قیامت (شاعر نیاز نیست که در محضر آورند)
۲. پیک: استعاره از شهادت (از دوردست می‌رسد کدام پیک)

درس دوازدهم:

چرخ: استعاره از آسمان (روزگار)

درس سیزدهم:

کان کلید گنج مروارید او گم شد = دگر نمی‌خندید (غمگین بود)
استعاره از لبخند استعاره از دندان

درس پانزدهم:

۱. کلمه راه (راه) ۲. دریا: در شعر عاشقانه: استعاره از عشق (شیرمردی باید این ره را شگرف)
۳. خورشید: استعاره از معشوقه (خدا)
۴. ذره: استعاره از وجود ناچیز
هر که داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند از یک ذره باز
۵. این ره عالی صفت: استعاره از وادی معرفت
چون بتابد آفتاب معرفت از سپهر این ره عالی صفت
۶. این سرای: استعاره از دنیا
که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید ← دل چه بندی در این سرای مجاز

درس شانزده (کباب غاز)

۱. ستاره‌ای در شبستان درون: استعاره از امید
۲. کاه: استعاره از غذا (کاه از خودمان نیست کاهدان از خودمان است)
۳. کاهدان: استعاره از شکم
۴. درزی ارل: استعاره از خدا
۵. گول بی شاخ و دم: استعاره از آقامصطفی

درس هفدهم:

- تاریک‌ترین لحظه: نماد ناامیدی
۶. عشق من، خنده تو در تاریک‌ترین لحظه می‌شکفت
- دریای بی کران: استعاره از جهان مادی
بر بال‌های باد بنشینم و دریای بی کران را

درس هجدهم:

- گرد و غبار: استعاره از چین و چروک (توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد)
- شعر «لطف تو»
سوز: استعاره از عشق (درد عشق - اشتیاق)

مرور درس به درس کتاب دوازدهم

حواسمان باشد درس یک و شش و نهم و دوازدهم و چهاردهم با همه جزئیات بررسی و مرور شود.

درس اول (بسیار مهم) خصوصاً صفحه اول

۱. هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات
معنا: هر نفسی که پایین می‌رود سبب ادامه دهنده زندگی است و وقتی بالا می‌آید سبب شادی‌بخش انسان
۲. از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید
ارتباط با آیه: اعملوا آل داود شکراً و قلیل من عبادی شکور
معنا: کسی توان توصیف و شکرگزاری خدا را ندارد
۳. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد
معنا: بابت گناه آشکار، آبروریزی نمی‌کند

۴. وظیفه روزی به خطای منکر نبرد

معنا: بابت خطای زشت، رزق و روزی را قطع نمی‌مند

۵. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته

معنا: درختان در فصل بهار، با برگ‌های سبز، لباس نو به تن کرده‌اند

۶. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق گشته

معنا: شیره درخت انگور به قدرت خدا تبدیل به شیرینی برتر شده

۷. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

مرجع ضمیر تو: انسان ← اینکه همه مخلوقات در خدمت انسان می‌باشند و انصاف نیست که انسان با این همه امکانات غفلت کند و فرمانبرداری نکند.

۸. بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله حسننت جمیع خصاله صلی الله علیه و آله

بزرگواری‌ها به واسطه او به اوج رسید، تاریکی با چهره زیبای او برطرف شد.

۹. چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

معنا: امت وقتی پشتیبانی چون تو دارند غمی ندارند.

معادل بیت: چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود

۱۰. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف

گوشه‌نشینان عظمت خداوند به کوتاهی در عبادت اعتراف دارد.

۱۱. واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب

معنا: وصف‌کنندگان جمال و زیبایی خدا دچار حیرت و سرگردانی هستند که خدا را آنگونه که شایسته عبادت و شناخت است نشناختیم.

۱۲. گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز

معنا: اگر کسی وصف خدا را از عاشق بپرسد عاشق توان ستایش را ندارد

معادل: نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

معادل: در خرد و بینش همتایی ندارد نمی‌توان او را وصف نمود (درس سیم‌رغ)

۱۳. عاشقان کشتگان معشوق‌اند / برنیاید ز کشتگان آواز

معنا: عاشقان شیفتگان معشوقه‌اند و از عاشق صدایی در نمی‌آید (خاموش است)

معادل: ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد آواز نیامد

معادل: آن را که خبری شد خبری باز نیامد

۱۴. یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده بود.

معنا: یکی از عارفان به حالت عرفانی فرو رفته بود و سخت مشغول عرفان و خداشناسی بود.

تذکر: درس اول از دید آرایه سجع و اضافه‌های تشبیهی بسیار مهم

اضافه تشبیهی:

- | | | | |
|-----------------|---------------|--------------|-------------------|
| ۱. خوان نعمت | ۲. باران رحمت | ۳. نبات بنات | ۴. دایه ابر بهاری |
| ۵. فراش باد صبا | ۶. مهد زمین | ۷. اطفال شاخ | ۸. پرده ناموس |

تذکر: (۱) دستِ انابت (۲) جیب مراقبت، هر دو اضافه اِقتِرانی هستند (استعاره نیستند)

بیت: هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد / وان که دید از خیزش کلک از بنان افکنده‌ای است

معادل: واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب

درس دوم (مست و هوشیار) = پروین اعتصامی

۱. شعر «مست و هوشیار» مناظره می‌باشد که شاعر در یک طرف بیت سؤال می‌پرسد و طرف دیگر با فعل «گفت» جواب می‌دهد.

نمونه در قلمرو درس: نخستین بار گفتش کز کجایی / بگفت از دار ملک آشنایی

۲. ره هموار نیست / بیت سوم: قاضی / بیت چهارم: والی

بیت آخر: اشاره به فسادها و نابسامانی‌های حاکمان جامعه دارد.

۳. دیناری بده پنهان: رشوه‌خواری

بیت: گفت آگاه نیستی کز سر درافتاد کلاه / گفت در سر عقل باید بی‌کلاهی عار نیست

معنا: باطن (عقل) مهم است نه ظاهر (کلاه)

تذکر: عقل (هوش - خرد) \neq عشق می‌باشد اما در این بیت عقل مورد ستایش واقع شده است.

تذکر: عقل در مقابل عشق همیشه منفی است.

- عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

- سودای عشق بر زیرکی افزون آید (درس هفتم)

- آن باغ پر از گل‌های رنگین و الهام و احساس، در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد (درس کویر)

- در کف‌ها کاسه زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی

بیت نهم: حرف کم و بسیار نیست

بحث از کم و زیاد بودن گناه نیست بلکه نفس عمل مهم است که انسان خطا کند

- از بهر تو صد بار ملامت بکشم / گر بشکنم این عهد غرامت بکشم

عاشق به خاطر معشوقه سرزنش‌ها را تحمل می‌کند و عهدشکنی نمی‌کند

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

معادل: درنیابد حال پخته هیچ خام

– ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم

پیام: به اوج معنویت می‌رسیم (امیدوار بودن)

فدا کردن جان و خواهان غم معشوقه بودن

۱. بگفت انده خرد و جان فروشند

۲. بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست

۳. بگفت از دل تو می‌گویی من از جان

عاشق معشوقه را فراموش نمی‌کند

۱. بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آنگه که باشم خفته در خاک

۲. بگفت او آن من شد زو مکن یاد / بگفت این کی کند بیچاره فرهاد

۳. گفتمی به روزگاران مهری نشسته گفتم / بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران

۴. وین نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

– با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

معادل: گفت باید حدّ زند هوشیار مدام مست را / گفت هشیاری بیار اینجا کسی هوشیار نیست

گفت مست ای محتسب بگذار و رو / از برهنه کی توان بردن گرو

معادل: گفت از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم / گفت پیوسته است جز نقشی ز بود و تار نیست

تذکر: خاک چندین حالت مجازی دارد: (۱) قبر (۲) سرزمین – وطن (۳) انسان (۴) زمین

بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک

قبر

تذکر: کلمه «مدام» به دو معناست: (۱) پیوسته (۲) شراب و در شعرها آرایهٔ «ایهام» دارد.

– شعرخوانی (پایان درس دوم)

– بیت اول و دوم هم‌معنا هستند: تا راهرو نباشی کی راهبر شوی – در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

– بیت ۶ و ۹: ارتباط دارند (در شعرخوانی)

تذکر: هوا، در بیت آخر ایهام دارد (۱) میل و آرزو (۲) عشق و حمایت

درس سوم:

۱. بیگانه ستیزی: خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنی خانه را که بیت‌ال‌حزن است

تذکر: تلمیحات: بیت‌ال‌حزن (داستان حضرت یعقوب (ع)) ← بیت ۴

سلیمان و اهرمن ← بیت ۶

- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم: کنایه از روزگار محو شود هر کشوری که نویسنده ندارد

بیت: ما را فراغتی است که جمشیدم نداشت

تلمیح داستان جمشید

نشاط غربت از دل کی برد حَبّ وطن بیرون / به تخت مصرم اما حال در بیت‌ال‌حزن دارم

- عشق به وطن / وطن را در هر حال بر نشاط غربت ترجیح دادن

درس پنجم:**موضوعات درس:**

۱. پنهان شدن (انزواء)

- تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دلیند

- تا واره‌ی از دم ستوران / وین مردم نحس دیو مانند

۲. آماده قیام و مبارزه با استبداد و خفقان

- خامش منشین سخن همی گوی / افسرده مباش خوش همی خند

- برکن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برکند

- گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند

- دردناک است که در دام شغال افتد شیر / یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم

فرومایه = سفله = دون

اینکه انسان محتاج انسان فرومایه شود

درس ششم (نی‌نامه):

- هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

اشاره دارد به «کُلّ یرجع الی اصله» ← تلمیح (به سوی عالم معنا برمی‌گردیم) / انا لله و انا علیه راجعون

اتحاد بین ظاهر و باطن:

۱. سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست
 ۲. تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
- تذکر:** تن ز جان مستور نیست و جان ز تن مستور نیست (حذف لفظی = مسند - فعال)
- هر کس عشق ندارد نابود شود (به کسی می توان زنده گفت که عاشق باشد)**

۱. آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد
 ۲. حیات از عشق می شناس و ممات بی عشق می یاب
 ۳. بی عشق زیستن را جز نیستی، چه نان است؟ یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است
- نی دو خاصیت متفاوت دارد (هم مثبت است هم منفی)**

همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

- دشوار و پرخطر بودن راه عشق

۱. نی حدیث راه پر خون می کند / قصه های عشق مجنون می کند
۲. شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف
۳. وانایماد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس

- اشتیاق پایان ناپذیر عاشق

- هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است روزش دیر شد
- عاشق از سپری شدن عمر و روزگار ترسی ندارد (جاودانه بودن عشق)**
- روزها گر رفت گو رو باک نیست / تو بمان ای آنکه جز تو پاک نیست
- زمانه گر بزند آتشم به خرمن هم / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست
- هر کسی شایسته محرمیت عشق را ندارد**

۱. هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من
 ۲. در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز / هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد
- بعد مثبت و منفی غم (اندوه)**

بعد مثبت: بگفت آن جا به صنعت در چه کوشند؟ / بگفت اندّه خرنده و جان فروشند

بعد مثبت: دیدی که مرا هیچ کسی یاد نکرد / جز غم که هزار آفرین بر غم باد

بعد منفی: در غم ما روزها بیگانه شد / روزها با سوزها همراه شد

تذکر: کلمه «شانه» با توجه به «زلف» ایهام تناسب دارد.

- شانه می آید به کار زلف در آشفتگی / آشنایان را در ایام پریشانی بپرس

اسلوب معادله

– به نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق

محرم این هوش جز بیهوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
روز دیر شدن در شعر: هر که بی‌روزی است روزش دیر شد
مکر او معکوس او سرریز شد / روزگارش بُرد و روزش دیر شد
مکر او نتیجه عکس داد (خودش سرنگون شد)

درس هفتم (در حقیقت عشق):

۱. شیدایی = سودایی / لابد = ناگزیر
درد هرکس که بینی در حقیقت چاره دارد / من ز عشقت با همه در دل که دارم ناگزیرم
(برای هر دردی چاره و درمانی است غیر از عشق)
۲. حُسن که مطلوب همه است دشوار می‌توان رسید زیرا وصول به حُسن ممکن نشود اِلّا به واسطهٔ عشق
معادل: می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را / در رگ جان هر که چون زلف پیچ و تاب هست
تذکر: حلقه، ایهام تناسب دارد (۱) دستگیره در (۲) زنجیر
۳. عشق هرکس را به خود راه ندهد و به همه جا مأوا نکند و به هر دیده روی ننماید
عشق هرکسی را نمی‌پذیرد و در همه جا پناه نکند.
۴. مراحل عشق: (۱) معرفت (۲) محبت (۳) عشق
– در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست
معادل: در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.
تذکر: کلمهٔ «سودا» ایهام دارد. (۱) تجارت (۲) دیوانگی
– در عالم پیر هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است
تذکر: در شعر «دکتر شفیعی کدکنی» (صبح ستاره باران)، شعری از سعدی تضمین شده است که باید شعر را حفظ باشیم.
– گفتمی به روزگاران مهری نشسته گفتم / بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران

درس هشتم (از پاریز تا پاریس):

۱. از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم ناچار شده به مار غاشیهٔ حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.
– از چاله به چاه افتادن (از ترس مشکلی به مشکلی بزرگتر پناهنده شدن)
۲. آخرین چراغ امپراتوری روم را ... سوءهاضمه می‌میرند.
علّت نابودی حرص و زیاده‌خواهی بود.

۳. دولت مستعجل بود ← تضمین از شهر حافظ
راستی خاتم فیروزه بواسحاقی / خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
یعنی خوشبختی‌اش ناپایدار بود (شتاب داشت)
۴. یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد
دنیا: مجاز از مردم دنیا / روم: مجاز از قدرت روم
مردم دنیا به قدرت روم توجه داشتند و از آن ترس و واهمه داشتند.
۵. کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند

پادشاه
چه زمانی
جناس تام

- ناپایدار بودن قدرت
معادل: خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند
۶. صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند
- شرط به اوج رسیدن تحمل رنج و سختی است.
۷. آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند
همنشینی و تحت تأثیر بزرگان واقع شدن مقام انسان را بالا می‌برد (دارای نشانی خجسته می‌شود)
شرط رسیدن به هدف آن است که تابع و شاگرد پیر و مرشد باشید.
- تذکر: خضر = تلمیح
- تذکر: بیت: با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد / خون دل شاهان که می‌اش نام نهادند
گذرا بودن عمر و قدرت و اینکه همه می‌میرند.
- معادل: خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند
- متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده (ویکتور هوگو) ... :
برتری فکر و اندیشه بر قدرت و مقام‌های دنیایی

درس نهم (کویر):

۱. روح دردمند = اما راستین ← حضرت علی (ع)
۲. شیعه گمنام = خود نویسنده (دکتر علی شریعتی)
۳. دوست شاعر: حافظ
۴. از هزارو صد سال، هنوز بر همان مَهر و نشان است که بود.
- کنایه از اینکه تغییری نداشته

تضمین از شعر حافظ: گوهر مخزن اسرار همان است که بود / حقه مهر بدان مهر و نشان است که بود

۵. همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم را روشن نگه دارد.

همه به او توجه داشتند و حکمت را او رونق بخشید.

۶. برخلاف حال، پایمان به ده باز بود و در شهر دست و پا گیر نشده بودیم و هر سال تابستان‌ها به اصل خود برمی‌گشتیم.

هر کس کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

تذکر: گرم: ایهام (۱) تابستان داغ (۲) صمیمی / خاموش: ایهام (۱) بدون نور (۲) ساکت

سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست: تلمیح به ماجرای درد دل کردن حضرت علی (ع) با چاه

و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سر زد. گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلق

دیده شده ستارگان در آسمان و دیده شدن ستاره پروین (ثریا) که به مانند قندیلی دیده شد.

تذکر: دریای سبز معلق: تلمیح از شعر حافظ

آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند / تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم

من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سرگلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیرة الاحرام علف می‌خوانم / پی قد

قامت موج

پیام: همه مخلوقات خدا را ستایش می‌کنند / گلدسته سرو: اضافه تشبیهی

بوی جوی مولیان

۱. کارمان از آن زندگی پر زرق و برق به یک اتاق کرایه‌ای کشید = شاهین تیز بال افق‌های بودم زنبوری طفیلی شدم ← در اوج

بودن و با خاک یکسان شدن

ایهام: چادر (۱) پوشش زنانه (۲) خیمه

- نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی

اینکه رودکی (شاعر بزرگ سامانیان) با خواندن شعر بوی جوی مولیان با چنگ سبب شد پادشاه از سرزمین هرات به بخارا

(پایتخت) برگردد.

تذکر: چند خط آخر درس: آب جیحون فرو نشست - بوی جوی مولیان مدهوشم کرد.

پا به رکاب گذاشتم: عبارات تضمین شده از شعر رودکی

تذکر مهم: فرق سفرنامه با حسب حال

درس کویر: حسب حال است و حسب حال بیان احوال شخصی خود نویسنده است.

تذکر: اعتقاد گذشتگان که «کهکشان» را «شاهراه علی و راه مکه» می‌دانستند = تلمیح

تذکر: شاگرد جوینده تشنه نه به حاضر و غایب شاگردان شیفته علم و دانش بودند نه به زور و اجبار

تذکر: حلقه به درها کوفتن: کنایه از سخت تلاش کردن و پیگیر بودن

تذکر: در بوی موی جویان طنز وجود دارد.

۱. پدرم مرد مهمتی نبود. اشتبهاً تبعید شد.
۲. دیگر اسکناس‌های ایران در دست ملی است باید بی‌نیازم کنی.

درس دهم:

مقایسه بین فضای دیروز (قبل از انقلاب) با فضای امروز (بعد از انقلاب)

کلمات: باران - جویدار - بهار - آینه‌دار بودن خورشید - باغ ← فضای بعد از انقلاب

کلمات: غم - شب - برزخ سرد - برگ و بار سوختن ← فضای قبل از انقلاب

بیت: ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک

معادل: در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو

- چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا جای قرار من و تو

- آرامش و قرار در پیوستن به مردم (همبستگی)

قرار: ایهام دارد (۱) قرار و آرامش (۲) قرار گذاشتن

ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دستت می‌دهم من آب و دانه

- افراد ناامید را امیدوار کردن

صفحه ۸۷ گنج حکمت

۱. نیکی کردن در حق کسی که بدی کند

نه همین مهربانی را به مهرکه پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.

۲. بدین سعادت‌م رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم

پیام: بزرگی در افتادگی و تواضع است.

درس یازدهم:

ص ۹۵:

کسی چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت

- تشبیه زخم به نشان (مدال): ایثار و فداکاری جانباز (زخم جانباز مانند مدال افتخار اوست)

زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

حیثیت مرگ: تشخیص = استعاره / به بازی گرفتن: کنایه از تمسخر کردن

- مرگ در دید بزرگان بی‌ارزش است

برای وصف میدان پرمین / برای وصف خال و زلف چین چین

نه در شیراز و نه در شهر گنجه / «نظامی» می‌شدم در «قصر شیرین»

۱. نظامی: ایهام (۱) شاعر بزرگ قرن نهم (۲) نظامی (ارتشی)

۲. قصر شیرین: ایهام (۱) قصری که از آن شیرین است (۲) نام شهری در استان کرمانشاه

پیام: جنگ برای یک مبارز مانند وصف معشوقه دلپذیر است.

- هر سال چو نوبهار خرم / بیدار شود ز خواب نوشین

تا باز کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین

از لاله دهد به سبزه زیور / ای دوست مرا به خاطر آور

- یادآوری از یاران در فصل بهار

شعر حفظی (بسیار مهم = شکوه چشمان تو)

۱. برای خوانش شعر بهتر است کدام نواع لحن را به کار گیریم؟

بهتر است از لحن مدحی و توصیفی استفاده کنیم زیرا این سروده در توصیف از مقام شعر و بیان کننده عواطف و احساسات اوست.

شاهد نیاز نیست که در محضر آرند ← سر بریده بودن

دارد اسارت تو به زینب اشارتی ← اسیر داعش شدن

از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک ← فداکاری و شرافت

درس دوازدهم (گذر سیاووش از آتش):

۱. چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی / ببااید زدن سنگ را بر سبوی

سنگ بر سبو زدن: کنایه از آزمایش کردن (آشکار کردن حقیقت از طریق آتش)

۲. وزین دختر شاه هاماوران / پراندیشه گشتی به دیگر کران

از سوی دیگر از جانب دختر شاه یمن (سودابه) نگران می‌شود.

۳. سرانجام گفت ایمن از هر دوان / نه گردد مرا دل، نه روشن روان

- در پایان گفت دل و روانم آسوده نمی‌شود تا به حقیقت ماجرا پی نبرم

تذکر: که رایت چه بیند کنون اندرین

رای تو (نظر تو) ← رایت (رایه) ← به معنای پرچم و درفش

- اگر کوه آتش بسپریم / از این تنگ خواراست اگر بگذرم

- اگر آتشی به اندازه کوه برافروخته شود من طی می‌کنم و عبور از آن بسیار آسان است.

پراندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیک‌پی

- کیکاووس از جانب فرزند و سودابه‌ای که از نژاد نیک است نگران شد.
 - همان به کزین زشت کردار، دل / بشویم کنم چاره دل غسل
 - همان بهتر است که برای دل ناامید خودم چاره‌اندیشی کنم
 - بیامد دوصد مرد آتش فروز / دمیدند گفتی شب آمد به روز
 - طوری مردان در آتش می‌دمیدند که گویا روز تبدیل به شب شده است.
 - یکی تازی‌ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ما
 معنا: سوار اسب تیزروی سیاه‌رنگ شده بود.
 - سیاووش بدو گفت انده مدار / کزین سان بود گردش روزگار
 اینکه در مقابل قضا و قدر و گردش روزگار کاری نمی‌توان انجام داد (اینکه روزگار انسان‌های بزرگ و آزاده را مورد آزار قرار می‌دهد)

معادل: ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد / کاو دل آزاده‌ای که از تیغ او مجروح نیست
 تذکر: کلمه «مدار» ایهام تناسب دارد (۱) مدار فلکی (۲) فعل
 - ور ایدون که زین کار هستم گناه / جهان آفرینم ندارد نگاه
 اگر چنانچه که گنهکار باشم خداوند مرا محافظت می‌کند.
 سیاووش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ دل، جنگ آتش بساخت
 سیاووش اسب سیاه را با تندی تازاند غمگین نشد آماده جنگ با آتش شد.
 چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو
 نو: ایهام (۱) شاه جوان (۲) شاهی که عمر نو و تازه یافته
 وقتی مردم سیاووش را دیدند از خوشحالی فریاد می‌زدند که شاه جوان از میان آتش بیرون آمده است.
 کلمه پاک (نه گرد و نه خاک): ایهام دارد (۱) پاکیزه (۲) بی‌گناه
 پیاده: ایهام تناسب - فرود آمد از اسب کاووس شاه / پیاده سپهبد پیاده سپاه
 - آتش ابراهیم را نبود زبان / هرکه نمودی است گو می‌ترس از آن
 - انسان بی‌گناه آسیب نمی‌بیند
 معادل: سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی‌گناهم رهایی مراست
 - فکند جور پیشه سلطان / که نیاید ز گرگ چوپانی
 - حاکم ستمگر توان حکومت کردن بر مردم را ندارد
 پادشاهی که طرح ظلم افکند / پای دیوار ملک خویش بکند
 - ظلم سبب نابودی حکومت می‌شود.

درس سیزدهم (خوان هشتم):

۱. کلمات: گرم - کانون، ایهام تناسب دارد.
- راستی کانون گرمی بود = کانون (۱) جمع (۲) آتشدان (ارتباط با گرم)
- گرم: (۱) گرم و صمیمی (۲) داغ و گرم
- صحنه میدانک: استعاره از محل و قدمگاه
- این عیار مهر و کین مرد و نامرد است
- این شعر معیاری برای سنجش و محبت مردان (چون رستم) کینه نامردان (چون شغاد) می‌باشد.
- نابراذر: ایهام (۱) برادر ناتنی (۲) نامرد
- یوسف به این رها شدن از چاه دل میند / این بار می‌برند که زندانیات کنند
- آزادی یوسف (ع) از چاه را آزادی ظاهری دانسته، معادل = رستم می‌توانست از چاه خارج شود.
- اما رستم به رهایی و آزادی بستگی نداشته است.
- با اهل فنا دارد هرکس سر یک‌رنگی / باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد
- جان را فدا کردن، شیوه عاشقان است.
- استفاده از واژه‌ها و ترکیب‌های کهن:
- منتشا / ژرف چاه پهناور - جابه‌جایی ضمیر
- کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌های نوساخته:
- خوان هشتم - باد برف - ماث - تای بی‌همتا - مردستان - کوه کوهان

درس چهاردهم (سی مرغ و سیمرغ):

۱. بیت: گل اگرچه هست بس صاحب جمال / حُسن او در هفته‌ای گیرد زوال
- هرچند که گل زیبا است زیبایی او پایدار نیست (جواب هُدهُد به بلبل)
- مرور هفت وادی:

(طلب - عشق - معرفت - استغنا - توحید - حیرت - فنا)

رمزگذاری وادی‌ها: طعم اتحف

۱. طلب: مال و ملک را رها کردن (مال اینجا بایدت انداختن)
۲. عشق: آتش، عاشقان آن باشد که چون آتش بود
۳. معرفت: بینا شدن، هر یکی بینا شود بر قدر خویش
۴. استغنا: جنت و دوزخ اعتباری ندارد، هشت جنت نیز اینجا مرده است.

معادل: دل چه بندی در این سرای مجاز

۵. توحید: یک - روی‌ها چون زین بیابان درکنند / جمله سر از یک گریبان برکنند

توحید = تفرید = تجرید

معادل: چشم بگشا و گلستان ببین / جلوۀ آب صاف در گل و خار

۶. حیرت: گم و تحیر / در تحیر مانده و گم کرده راه

۷. فنا (فقر و فنا = محو شدن): گم + یک

صدهزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو

معادل: وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

- چون نگه کردند آن سی‌مرغ زود / بی‌شک این سی‌مرغ آن سیمرغ بود

وقتی آن سی‌مرغ به هم نگاه کردند متوجه شدند سیمرغ خودشان هستند.

معادل: ای نسخه‌نامه الهی که تویی / وی آینه جمال شاهی که تویی

- بیرون ز تو نیست هرچه در عالم است / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

معادل آیه: و فی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم أفلا تبصرون

درس کباب‌غاز:

کنایه‌های درس بسیار مهم:

۱. سماق مکیدن: کنایه از انتظار بیهوده

۲. شکم صابون زدن: کنایه از وعده خوب به خود دادن

۳. آسمان جُل: کنایه از فقیر

۴. هفت قرآن به میان: کنایه از بلا به دور باشد

۵. سر به مهر: کنایه از دست نخورده و سالم و کامل

۶. چند مرده حلاج بودن: کنایه از توانایی برای انجام کار را داشتن

۷. صرف کردن: ایهام تناسب (۱) بیان کردن (۲) خوردن

۸. کبابه شعر و ادب می‌کشید: کنایه از ادعای شعر و ادب می‌کرد

۹. بوی غاز چنانش مست کند که دامنش از دست برود: تضمین از کلام سعدی

۱۰. توطئه دارد می‌ماسد: کنایه از عملی می‌شود

ترفیع رتبه - افزایش درجه و مقام

- سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد

اول فکر کن بعد حرف بزن (تیری که پرتاب شد دیگر باز نمی‌گردد)
 ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی
 - خدا را عامل اصلی همه امور دانستن (لطف و عنایت خدا نباشد کاری انجام نمی‌شود).
 ارکان: ایهام (۱) اندام (۲) عناصر چهارگانه (آب - باد - خاک - آتش)
 معادل آیه: و مارمیت اذ رمیت و لکن الله رمی
 (آن تیر را انداختی اما به حقیقت خدا آن تیر را پرتاب کرد).

درس هفدهم:

مفهوم کلی: خنده‌ها و شادی معشوقه برای عاشق از نیازهای اساسی و حیاتی مهم‌تر است (تأثیر لبخند)
 معادل: اگر خونین‌دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام
 تذکر: مصرع دوم بیت بالا تضمین از حافظ می‌باشد.

درس هجدهم:

چهار خط اول: معشوقه قابل توصیف نیست (نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی)
 - هر روز باید ذکری را مکرر کنم و آن چه قدیمی است قدیمی ندانم
 معادل: یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است
 - عشق هرگز تکراری و کهنه نمی‌شود.
 عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند و توجهی به چین و شکن نمی‌دهد.
 - چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید

عبارات و اشعار هم‌معنا

۱. خداوند قابل توصیف نیست (فهم و دانش ما توان درک عظمت خدا را ندارد)
 الف) با خرد و دانش خود آنچه خواهد، تواند، سنجش نیروی او در توان ما نیست.
 ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نگنجی
 ج) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عرفناک حق معرفتک

۲. با وجود تو، ترسی از خطرات نداریم

الف) چه غم دیوار امت که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان
ب) چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود



۳. عاشق با دیدن معشوقه (خدا) از خود بیخود می‌شود (خود را فراموش می‌کند)

الف) چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را، چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت
ب) چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند مرا از خود یاد نیاید، از تو چون یاد کنم؟



۴. خداوند ستار العیوب (پوشاننده عیب‌ها) است.

الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
ب) پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد



۵. عاشق، معشوقه را فراموش نمی‌کند.

الف) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک
ب) بگفت او آن من شد زو مکن یاد / بگفت این، کی کند بیچاره فرهاد
ج) گفتمی به روزگاران مهری نشسته گفتم / بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران
د) وین نغمهٔ محبت، بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران



۶. ضرورت توسل به مرشد و رهبر

الف) همتم بدرقهٔ راه کن ای طایر قدس / که درازست ره مقصد و من نوسفرم
ب) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پیاش نام نهادند



۷. عشق، دل‌بستگی و تعلقات را نمی‌پذیرد.

الف) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه
ب) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود کند
ج) در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست
د) من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو
ه) اولاً تجرید شو از هرچه هست / و آنگهی از خود بشو یک بار دست
ی) دل چه بندی در این سرای مجاز / همّت پست کی رسد به فراز

۱۴۰۱ در ماه آریه

۱۴۰۱ خرداد
دستور
۱۴۰۲ خرداد
الف
آمد

۸. در اوج بودن و با خاک یکسان شدن

الف) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند
ب) شاهین تیزبال افق‌ها بودم زنبوری طفیلی شدم
ج) راستی خاتم فیروزه‌ی بواسحاقی / خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

۹. تقابل عشق و عقل:

۱) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
۲) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید
۳) آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد
۴) در کف‌ها کاسه‌ی زیبایی / بر لب‌های تلخی دانایی

۱۰. هر کس عشق و عاطفه ندارد نابود شود

الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد
ب) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب
پ) بی‌عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ / یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است

۱۱. خطرات راه عشق

الف) نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند
ب) شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف
ج) وا نیامد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس

۱۲. بُعد مثبت غم (اندوه)

الف) بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند؟ / بگفت آنده خرد و جان فروشند
ب) در غم ما روزها بیگانه شد / روزها با سوزها همراه شد

۱۳. ظاهر از باطن جدا نیست

الف) سر من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست
ب) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست

۱۴. تعریف و تمجید از عقل (خرد)

گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست

**۱۵. دوباره به اصل و ذات خود برمی گردیم**

الف) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

ب) و هر سال تابستانها را به اصل خود، مزینان برمی گشتیم

ج) و ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و دامن گسترمان کویر می برد

**۱۶. جاودانه بودن عشق**

الف) روزها گر رفت گو رو باک نیست / تو بمان ای آنکه جز تو پاک نیست

ب) این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوقه را جوان می بیند

**۱۷. تقابل معنایی (بین غم و شادی)**

الف) کان کلید گنج مروارید او گم شد (نمی خندید - شاد نبود)

ب) اگر خونین دلی از جور ایام / «لب خندان بیاور چون لب جام»

**۱۸. نهراسیدن از مرگ (بی ارزش بودن مرگ)**

الف) زین پیش دلورا کسی چون تو، شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

ب) هشیوار و با جامه های سپید / لبی پر ز خنده، دلی پر امید

**۱۹. همه مخلوقات خدا را ستایش می کنند**

الف) حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد

ب) من نمازم را وقتی می خوانم که اذانش را باد گفته باشد / سر گلدسته سرو پی قدقامت موج / پی تکبیره الاحرام علف

**۲۰. تواضع و فروتنی (غرور را رها کردن)**

الف) گر در سرت هوای وصال است حافظا / باید که خاک درگه اهل هنر شوی

ب) سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم



۲۱. اشاره به نابسامانی‌ها و فسادهای موجود در جامعه

- الف) گفت مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی / گفت: جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست
 ب) گفت می‌باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت: رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست
 ج) گفت نزدیک است والی را سرای آن‌جا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست
 د) گفت باید حدّ زند هشیار مردم، مست را / گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

آزمون یک

۱. واژه «سورت» در مصراع «سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.» در کدام معنا به کار نرفته است.

- الف) تندى ب) سرعت ج) شدت د) حدّت

۲. هر یک از واژه‌های مشخص شده را در عبارت زیر معنا کنید.

- الف) بگرای چو ازدهای گرزه
 ب) شیرمرد عرصه ناوردهای هول
 ج) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

۳. در بیت‌های زیر، «غلط‌های املائی» را مشخص کنید و شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.

- الف) صریر ملک، عطا داد کردگار تو را / به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد
 ب) چنان آمد اسپ و قباى سوار / که گفتی ثمن داشت اندر کنار

۴. در کدام عبارت، «غلط‌های املائی» وجود دارد؟

- الف) پادشاهی به درویشی گفت: که مرا آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلّی و قرب باشد، یاد کن.
 ب) یکی از حضار که کباده شعر و ادب می‌کشید، چنان محظوظ گردیده بود که جلورفته جبهه شاعر را بوسید.
 ج) اشتری و گرگی و روباهی از روی مصاحبت، مسافرت کردند و با ایشان از وجح ذات و توشه، گرده‌ای بیش نبود.
 د) دلم می‌خواهد بر بال‌های باد بنشینم و آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گذارم.

۵. املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) چو او را بدیدند (برخواست / برخواست) غو که آمد ز آتش برون شاه نو
 ب) تو حکیمی، تو کریمی، تو رحیمی تو نماینده فضلای تو سزاوار (ثنایی / سنایی)

۶. در گروه کلمات زیر، «غلط‌های املائی» را بیابید و شکل آن‌ها را بنویسید.
 «کازیه و جاکاغذی - بقولات و حبوبات - انضمام و ضمیمه - طَبَق و سینی - طاق و سقف مُهَدَّب - تطاول و تعدی - خُرد رفتن و ساییده شدن - قَلَّیان و جوشش»

۷. در هر یک از ابیات زیر، نوع حذف فعل (قرینه لفظی / معنایی) را مشخص کنید.

الف) کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار

ب) ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران

۸. در کدام بیت، هر دو نوع «و» (عطف و ربط) به کار رفته است؟

الف) چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

ب) ز نیرنگ هوا و از فریب آذ خاقانی / دلت خُلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش

۹. در عبارت زیر، نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

«آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.»

۱۰. در جمله زیر، نوع «وابسته وابسته» را بنویسید و نمودار پیکانی آن را رسم کنید.

«نگاه‌های مردم آسفالت‌نشین، آن را کهکشانی می‌بیند.»

۱۱. در کدام گزینه، جمله مرکب وجود ندارد؟

الف) تو که یک غاز بیشتر نیاورده‌ای و به همه دوستان هم وعده کباب غاز داده‌ای.

ب) گردنش مثل همان غاز مادر مرده‌ای بود که در همان ساعت در دیگ مشغول کباب شدن بود.

ج) انسان حیوانی است گوشت‌خوار ولی این مخلوقات عجیب گویا استخوان‌خوار خلق شده‌اند.

د) به قدری عصبانی شده بودم که چشمم جایی را نمی‌دید. از این بهانه‌تراشی‌هایش داشتم شاخ درمی‌آوردم.

۱۲. کاربرد معنایی فعل «شد» در کدام بیت متفاوت است؟

الف) پُر اندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیک‌پی

ب) بدان گه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره، بردش نماز

ج) سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندانش گریان شدند

د) نخستین دمیدن سیه شد ز دود / زبانه برآمد پس از دود، زود

۱۳. در بیت زیر، یک ترکیب «وصفی» و یک ترکیب «اضافی» پیدا کنید.

«چشم بگشا به گلستان و ببین / جلوة آب صاف در گل و خار»

۱۴. مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

الف) کاویان ب) بهاران

۱۵. در سروده زیر نوع «نقش تبعی» را مشخص کنید.

«بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد، آن نابردار بود / که درون چه نگه می‌کرد و می‌خندید.»

۱۶. آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو بیخ افسرده‌ای است (حس آمیزی / پارادوکس)

ب) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست (اسلوب معادله / تلمیح)

ج) تو قلب فسرده زمینی / از درد ورم نموده یک چند (جناس / حسن تعلیل)

د) سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت (مجاز / تشخیص)

۱۷. در سروده زیر، «مشبه و مشبه‌به» را مشخص کنید.

«بخند؛ زیرا خنده تو برای دستان من، شمشیری است آخته.»

۱۸. آرایه‌های ادبی به کار رفته در ستون «ب» به کدام یک از بیت‌های ستون «الف» مربوط می‌شود؟ (در ستون «ب»

یک مورد اضافی است.)

ستون «الف»	ستون «ب»
الف) با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو ب) کاوس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند ج) نه در شیراز و نه در شهر گنجه / نظامی می‌شوم در قصر شیرین	۱) ایهام ۲) استعاره ۳) حس آمیزی ۴) جناس تام

۱۹. در سروده «خوان هشتم»، «رستم» و «شغاد»، هریک «نماد» چه کسانی هستند؟

۲۰. در عبارت زیر، معنای «کنایی» قسمت مشخص شده را بنویسید.

«اما خنده‌ات که رها می‌شود و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید، تمام درهای زندگی را به رویم می‌گشاید.»



۲۱. داستان «سی مرغ و سیمرغ» از کدام اثر ادبی برگرفته شده است؟



۲۲. نام آفرینندگان آثاری که نویسنده آن‌ها نادرست است، بنویسید.

«سانتاماریا: سید مهدی شجاعی - تمهیدات: شهاب‌الدین سهروردی - سندبادنامه: ظهیری سمرقندی - فیه مافیه: جامی - دری به خانه خورشید: سلمان هراتی»



۲۳. به غزل‌هایی که محتوای آن‌ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، می‌گویند.



۲۴. مصراع اول بیت زیر را بنویسید.

در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه



۲۵. با توجه به مصراع‌های داده شده، ابیات زیر را کامل کنید.

الف) به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید

ب) تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی



۲۶. بیت «سرانجام گفت ایمن از هر دوان / نگردد مرا دل نه روشن روان» از زبان چه کسی بیان شده است؟



۲۷. مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

الف) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

ب) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را / در رگ جان، هر که را چون زلف، پیچ و تاب هست



۲۸. عبارت «شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبور طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.» یادآور کدام «ضرب‌المثل» فارسی

است؟



۲۹. مقصود نهایی شاعر، از بیت زیر چیست؟

«آن جا در آن برزخ سرد در کوچه‌های غم و درد
غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو»



۳۰. درستی و نادرستی موارد زیر را مشخص کنید.

الف) بیت «نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند»، به مفهوم «دشواری و پر خون بودن راه عشق» اشاره دارد. درست / نادرست

ب) مفهوم عبارت «آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی‌ها، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش آلود.» به برتری عقل بر عشق و احساس تأکید دارد. درست / نادرست



۳۱. مفهوم عبارت «ستاره ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.» را بنویسید.



۳۲. در عبارت زیر، «عشق جاودانی» چگونه توصیف می‌شود؟

«این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد.»



۳۳. هر یک از ابیات زیر، یادآور کدام یک از هفت وادی است؟

الف) مال اینجا بایدت انداختن / ملک اینجا بایدت در باختن
ب) صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو



۳۴. بیت زیر، بیانگر کدام «زمینه حماسه» است؟

«چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی‌گناهان نیاید گزند»



۳۵. ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

الف) بنشین به یکی کبود اورند

ب) گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

ج) هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است.

د) در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد.

ه) تمام حُسن کباب غاز به این است که سربه‌مهر روی میز بیاید.

و) در این اندیشه مستغرق بودم که دیدم مرا به نام خواندند.

ز) هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز

ح) همی کند سودابه از خشم موی / همی ریخت آب و همی خست روی

پاسخنامه:

۱. ب) سرعت
۲. الف) گرز: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک / ب) هول: وحشت‌انگیز و ترسناک / ج) گریبان، یقه
۳. الف) سریر / ب) سمن
۴. گزینه ج
۵. الف) برخاست / ب) ثنایی
۶. طاق و سقف محدب - خورد رفتن و ساییده شدن - غلیان و جوشش
۷. الف) لفظی / ب) معنایی
۸. گزینه الف
۹. مسند مفعول
۱۰. صفت مضاف‌الیه نگاه‌های مردم آسفالت‌نشین
۱۱. گزینه ج
۱۲. گزینه ب
۱۳. جلوه آب: ترکیب اضافی آب صاف: ترکیب وصفی
۱۴. الف) صفت نسبی ب) زمان، وقت، هنگام
۱۵. بدل (آن نابردار)
۱۶. الف) پارادوکس ب) اسلوب معادله ج) حسن تعلیل د) مجاز
۱۷. مشابه: خنده مشابه به: شمشیر
۱۸. الف) ۲ (استعاره) ب) ۴ (جناس تام) ج) ۱ (ایهام)
۱۹. رستم: آزادگی، اقتدار ملی و جوانمردی شغاد: فریب، نیرنگ و ناجوانمردی
۲۰. کنایه از امیدوار نمودن و زندگی بخشیدن
۲۱. منطق الطیر عطار
۲۲. تمهیدات: عین‌القضات همدانی فیه مافیه: مولوی
۲۳. غزل اجتماعی
۲۴. شاهد نیاز نیست که در محضر آورند
۲۵. الف) ۲ (من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!) / ب) ۱ (فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!)
۲۶. کیکاووس

۲۷. تحمل سختی‌ها و دشواری‌های راه عشق / شایسته عشق بودن عاشقان دل‌سوخته / فقط عاشقان واقعی به حریم حسن معشوق راه می‌یابند.
۲۸. از عرش به فرش آمدن (یا هر ضرب‌المثل درست دیگر)
۲۹. شکوه و شکایت از اوضاع نابسامان جامعه قبل از انقلاب اسلامی (یا هر پاسخ درست دیگر)
۳۰. الف) درست / ب) نادرست
۳۱. ناامیدی‌ام به امیدواری تبدیل شد، از ناامیدی به امیدواری رسیدن
۳۲. ظاهرین نبودن عاشق (یا هر پاسخ درست دیگر)
۳۳. الف) طلب (وادی اول) / ب) فقر و فنا (وادی هفت)
۳۴. زمینه ملّی
۳۵. الف) بر تخت حکمرانی بنشین. (قدرت را به دست بگیر)
- ب) گفت: کار شرع با رشوه‌خواری سازگار نیست / کاری که در شرع حرام است با دادن رشوه حلال نمی‌شود. (نکوهش رشوه‌خواری)
- ج) هر نفسی که می‌کشیم یاری‌دهنده زندگی است.
- د) کسی می‌تواند در راه عشق قدم بگذارد که به تعلّقات ظاهری بی‌توجه باشد. (ترک تعلّقات دنیوی)
- ه) همه خوبی کباب غاز در این است که کامل و دست‌نخورده روی میز بیاید.
- و) در این فکر فرو رفته بودم که دیدم مرا به اسم صدا می‌زدند.
- ز) کسی که می‌تواند به اصل و حقیقت (خداوند) برسد، هرگز از رسیدن به فرعیات عاجز نمی‌شود.
- ح) سودابه از روی خشم موهایش را می‌کند، پیوسته گریه می‌کرد و صورت خود را زخمی می‌نمود.

آزمون ۲

۱. معنی هر واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- الف) دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد.
ب) که گفتمی سمن داشت اندر کنار
ج) جنگ بود این یا شکار آیا / میزبانی بود یا تزویر
د) پیش از آمد هر زمانی صد تعب

۲. در بیت‌های زیر، تفاوت معنایی واژه «دستور» را بررسی کنید.

- الف) چه نیکو گفت با جمشید دستور
ب) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
که با نادان نه شیون باد و نه سور
لیک کس را دید جان دستور نیست

۳. املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(الف) واصفان حلیة جمالش به تحییر (منسوب / منسوب)

(ب) گفت از (بهر / بحر) غرامت جامهات بیرون کنم.



۴. در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املايی بیابید و درست آن را بنویسید.

(الف) همچنان که می توانست او، اگر می خواست، / کان کمندِ شصت خمّ خویش بگشاید / و بیاندازد به بالا، ...

(ب) در کتل و گردونه یک دوجین شکم و روده مراحل مضق و بلع و هضم و تحلیل را پیموده است.



۵. در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املايی وجود دارد؛ درست هر یک را بنویسید.

آذرم و حیا - خار و بی‌ارزش - سورت سرمای دی - زهر شمشیر و سنان



۶. در نوشته زیر، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.

«پروانه قوت از عشق آتش خورد و همه جهان، آتش بیند.»



۷. با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید.

«گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

گفت: تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»

(الف) در بیت اول، فعل «شویم»، اسنادی و فعل «نیست»، غیر اسنادی است. درست / نادرست

(ب) در بیت دوم، «خوابگاه مردم»، یک ترکیب اضافی و «مردم بدکار» یک ترکیب وصفی است. درست / نادرست



۸. نوع وابسته و وابسته را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.

(الف) متوجه شدم که قدرت قلم نویسنده تا چه حد بوده است.

(ب) این جا می توان چند حلقه چاه عمیق زد.



۹. با توجه به بیت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو؟»

(الف) نوع «واو» در مصراع اول، حرف ربط است یا عطف؟

(ب) در مصراع دوم، کدام واژه نقش «نهاد» دارد؟

۱۰. در نوشته «فکر کردم اگر پیش تر بروم، به حتم گم می شوم. بر تلّ خاکی نشستم. حتی اگر من صدایتان نمی کردم، متوجه حضور من نمی شدید.»

الف) زمان کدام فعل «مضارع التزامی» است؟ ب) در واژه «صدایتان»، نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان» چیست؟

۱۱. «هفت خوان را زادسرو مرو، / ... / آن هریوه خوب و پاک آیین روایت کرد؛ / خوان هشتم را / من روایت می کنم اکنون / من که نامم ماث /»

الف) گروه اسمی «آن هریوه خوب»، چه نوع نقش تبعی دارد؟

ب) نقش دستوری واژه «اکنون» را بنویسید.

ج) واژه «هشتم» کدام یک از انواع وابسته‌های پسین است؟

د) در گروه اسمی «زادسرو مرو»، هسته را مشخص کنید.

۱۲. در کدام گزینه، جمله مرکب دیده می شود؟

الف) بی اختیار در را باز کردم و این جوان نمک‌شناس را بیرون انداختم.

ب) از خوش مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند و نمره تلفن او را از من خواستند.

ج) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند.

د) فوراً مسئله میمانی و قرار با رفقا را با عیالم در میان گذاشتم.

۱۳. مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید.

الف) دیلمان: ب) خواهان:

۱۴. نام صاحب هریک از آثار داده شده را از کمانک مقابل آن انتخاب کنید.

الف) غزلواره‌ها (شکسپیر / پابلو نرودا) ب) سانتاماریا (مهرداد اوستا / سید مهدی شجاعی)

۱۵. از بین آثار زیر، به ترتیب یک اثر از اخوان ثالث و یک اثر از سلمان هراتی بیابید.

از پاریز تا پاریس - دری به خانه خورشید - هوا را از من بگیر خنده‌ات را نه - در حیاط کوچک پاییز در زندان

۱۶. در هریک از موارد زیر، با توجه به بخش‌های مشخص شده، کدام آرایه ادبی دیده می‌شود؟

- (الف) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را گفته تا بنات نبات بیورود.
- (ب) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت
- (ج) نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم گروه
- (د) تا باز کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین

۱۷. با توجه به منطق الطیر عطار، هریک از پرندگان زیر، نماد چه کسانی هستند؟

- (الف) بلبل: (ب) هدهد:

۱۸. در هریک از موارد زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید.

- (الف) مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد (اسلوب معادله / حسن تعلیل)
- (ب) یکی تازی ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه (تناقض / اغراق)
- (ج) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند (تشخیص / تضمین)
- (د) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش (جناس همسان / تشبیه)

۱۹. با توجه به سروده «آن‌گاه که پاهایم می‌روند و بازمی‌گردند / نان را، روشنی را، بهار را، از من بگیر / اما خنده‌ات را

هرگز / تا چشم از دنیا نبندم»

- (الف) یک نمونه آرایه تضاد بیابید. (ب) مفهوم کنایه «چشم از دنیا نبندم»، چیست؟

۲۰. معنی هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.

- (الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
- (ب) امپراتوری‌های بزرگ هم مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.
- (ج) که هر چند فرزند هست ارجمند / دل شاه از اندیشه یابد گزند
- (د) طفره می‌رفتید ولی اصرارهای من، عاقبت او را متقاعد کرد.
- (ه) چون بود کاکلیم ما را شاه نیست / بیش از این بی شاه بودن راه نیست
- (و) این بدبخت‌ها سال آرزگار یک بار برایشان چنین پایی می‌افتد و شکم‌ها را مدتی است صابون زده‌اند که کباب بخورند.
- (ز) آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که بتواند آن را بنگارد / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟

به پرسش‌های مربوطه به درک مطلب پاسخ دهید.

۲۱. در نوشتهٔ زیر، منظور از «به طریق انبساط»، چیست؟



۲۲. با توجه به شعر «دماوندیه»، منظور از بخش‌های مشخص شده در بیت‌های زیر چیست؟

«پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنوی یکی چند
گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند»



۲۳. از مقایسهٔ سرودهٔ سهراب سپهری با نوشتهٔ زیر، چه مفهوم مشترکی دریافت می‌شود؟

* «من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیرالاحرام علف می‌خوانم /»
* «در کویر خدا حضور دارد ... و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخرهٔ سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»



۲۴. در بیت زیر، منظور از «نسیم سحرخیز» و «باغ» چیست؟

«با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو»



۲۵. بیت زیر بر چه مفهومی تأکید دارد؟

«چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود»



۲۶. در سرودهٔ زیر، منظور شاعر از «حدیث آشنای نقال» چیست؟

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش چونان حدیث آشنایش گرم - / راه می‌رفت و سخن می‌گفت»



۲۷. در نوشتهٔ زیر، منظور نویسنده از مثل «چند مرده حلاجی» چیست؟

«مصطفی جان، می‌خواهم امروز نشان بدهی چند مرده حلاجی و از زیر سنگ هم شده یک غاز برای ما پیدا کنی.»



۲۸. با توجه به سرودهٔ زیر، یکی از ویژگی‌های عشق جاودانی را بنویسید.

«هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»، / این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند»

۲۹. با توجه به هفت وادی عرفانی منطق الطیر، هریک از بیت‌های ردیف نخست، با کدام بیت در ردیف دوم، یادآور وادی مشترکی است؟ (در ردیف دوم، یک بیت اضافی است)

نخست	دوم
(۱) روی‌ها چون زین بیابان درکنند جمله سر از یک بیابان برکنند	(الف) هر یکی بینا شود بر قدر خویش بازیابد در حقیقت صدر خویش
(۲) دل چه بندی در این سرای مجاز همت پست کی رسد به فراز	(ب) چشم بگشا به گلستان و ببین جلوه آب صاف در گل و خار
	(ج) مال اینجا بایدت انداختن ملک اینجا بایدت درباختن

پاسخنامه:

۱. الف) به نتیجه می‌رسد، به ثمر می‌رسد. (ب) نوعی درخت گل، یاسمن
- ج) دورویی، ریاکاری، نیرنگ (د) رنج و سختی
۲. الف) مشاور و وزیر (ب) اجازه، رخصت
۳. الف) منسوب (ب) بهر
۴. الف) بیندازد (ب) مضغ
۵. آزر و حیا (ب) خوار و بی‌ارزش
۶. قوت: مفعول (ب) آتش: مسند
۷. الف) نادرست (ب) درست
۸. الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه (ب) ممیز
۹. الف) عطف (ب) چشمان
۱۰. الف) بروم (ب) مفعول
۱۱. الف) بدل (ب) قید (ج) صفت شمارشی (د) زادسرو
۱۲. ج) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند
۱۳. الف) مکان (مکان زندگی مردم دیلم) (ب) صفت فاعلی
۱۴. الف) شکسپیر (ب) سید مهدی شجاعی
۱۵. در حیاط کوچک پاییز در زندان (ب) دری به خانه خورشید

۱۶. الف) استعاره (با توجه به کتاب علوم و فنون ۲ اگر مجاز هم نوشته شود صحیح است) ب) کنایه
ج) مجاز د) حس آمیزی
۱۷. الف) انسان‌هایی که عاشق حقیقی نیستند و به عشق‌های دنیوی و ناپایدار دل بسته‌اند / ب) پیر و مرشد و راهنما
۱۸. الف) اسلوب معادله / ب) اغراق / ج) تشخیص / د) تشبیه
۱۹. الف) می‌روند و باز می‌گردند / ب) نمیرم (تا زمانی که زنده‌ام)
۲۰. الف) دلی می‌خواهم که از درد جدایی پاره پاره شده باشد. (محرمی می‌خواهم که سختی جدایی کشیده باشد)
ب) حکومت‌های بزرگ هم مانند انسان‌های ثروتمند و پرخور از زیاده‌خواهی ناپود می‌شوند.
ج) هر چند فرزند عزیز و گرانقدر است، اما بدگمانی به فرزند، دل شاه را آزرده خواهد کرد.
د) خودداری می‌کردید اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد.
ه) چرا سرزمین ما شاه ندارد، بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست.
و) این بدبخت‌ها هر سال طولانی یک بار برایشان چنین موقعیتی پیش می‌آید و مدتی است انتظار کشیده‌اند
(گرسنگی کشیده‌اند، به خود وعده داده‌اند) که کباب بخورند.
ز) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد اما روح راستگو و درست کردار من آن را برای تو، ای
عشق جاودانی به تصویر نکشیده باشد.
۲۱. به شیوه صمیمی و خودمانی
۲۲. سوخته جان: شاعر (ملک الشعراى بهار)، آتش: خشم، اعتراض
۲۳. همه موجودات در حال تسبیح خداوند هستند. (یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض)
۲۴. نسیم سحرخیز: انقلاب و قیام مردم، باغ: وطن، کشور
۲۵. لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگه می‌دارد. (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود)
۲۶. داستان‌های شاهنامه (حماسه ملی ایران)
۲۷. میزان قدرت و توانایی تو چقدر است.
۲۸. یکی از این دو مورد: عشق قدیم را هر چقدر قدیمی باشد، کهنه و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند.
۲۹. ب (۱)

آزمون ۳

۱. در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید.

«همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»



۲. برای هریک از واژه‌های مشخص شده یک برابر معنایی مناسب بنویسید.

الف) اگر کوه آتش بود بسپرم / ب) به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد.



۳. معنی واژه «دستور»، در بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟

«چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور»

(۱) اگر ایدونیک دستور باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون

(۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست

(۳) به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت، صد کاروان

(۴) بر مصطفی بهر رخصت دوید / از او خواست دستوری اما ندید



۴. املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) الّا ولله که امروز باید (ناهار / نه‌ار) را با ما صرف کنی.

ب) شاهان باز شکاری را روی (شصت / شست) می‌نشانند و با خویشان به شکار می‌برند.



۵. در هریک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد.

الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوان مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان

ب) هر کسی از ظنّ خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من

ج) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.



۶. در هر یک از موارد زیر، املاي یک واژه نادرست است؛ آن را بیابید و درست آن را بنویسید.

الف) پیرمرد از داخل کاذبیه روی میز، یک پاکت کهنه برداشت و حواله مخارج قریب شش ماه من را نوشت.

ب) پس از عزیمت رضاشاه، همه تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند.



۷. در کدام گزینه غلط املایی دیده می شود؟

- ۱) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود.
- ۲) کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می نگرست.
- ۳) چنان می نمود که در چهار گوشه اتاق، درفش ملی ما را به احتزاز درآورده باشند.
- ۴) قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور گردد.

۸. با توجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«داشتم می گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه سرمایی، چه سرمایی! / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / ... قهوه خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم ... / همگنان را خون گرمی بود.»

الف) واژه «دی» کدام یک از انواع وابسته وابسته است؟ ب) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟
ج) نقش دستوری واژه «خوشبختانه» را بنویسید. د) نوع واو مشخص شده را تعیین کنید.

۹. با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- ۱) از سیم به سر یکی گله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند
 - ۲) ای مشّت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند
 - ۳) ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه بخت فرزند
- الف) در بیت اول، نوع حذف، قرینه لفظی است یا معنایی؟
ب) کاربرد معنایی فعل «شو» اسنادی است یا غیراسنادی؟
ج) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید.
د) هسته گروه اسمی «این پند سیاه بخت فرزند» را تعیین کنید.

۱۰. نمودار گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم کنید و نوع وابسته وابسته را در آن تعیین نمایید.

۱۱. در همه گزینه‌ها به جز جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می شود.

- ۱) محبت چون غایت رسد، آن را عشق خوانند.
- ۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.
- ۳) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند.
- ۴) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.

۱۲. با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های داده شده را تعیین کنید.

صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو
چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
خویش را دیدند سیمرغ تمام / بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام

- الف) واژه «تو» نقش تبعی تکرار و واژه «خود» نقش تبعی بدل دارد. درست / نادرست
ب) بیت دوم، یک جمله غیر ساده است و مصراع اول، جمله وابسته آن است. درست / نادرست
ج) نقش دستوری واژه «تمام» در هر دو مصراع بیت سوم، «قید» است. درست / نادرست
د) مفهوم «ان» در واژه «صد هزاران» همانند واژه «ان» در واژه «بهاران» است. درست / نادرست

۱۳. بیت زیر را با مصراع مناسب کامل کنید.

من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!

۱۴. مصراع دیگر هریک از بیت‌های داده شده را انتخاب کنید.

- الف) آه این سر بریده ماه است در پگاه؟
یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟
یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟
ب) به هر حالت که بودم با تو بودم؛ میهن ای میهن!
به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم (۲) اگر مستم اگر هوشیار اگر خوابم اگر بیدار

۱۵. مفهوم نمادین هریک از موارد مشخص شده را بنویسید.

- الف) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
ب) ناگهان انگار / بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او، شغاد، آن نابردار بود

۱۶. با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- ۱) اگر در سرت هوای وصال است، حافظا / باید که خاک درگه اهل هنر شوی
۲) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن گه که باشم خفته در خاک
الف) در کدام واژه بیت نخست آرایه «مجاز» وجود دارد؟
ب) در بیت دوم، کدام واژه‌ها آرایه «جناس» را پدید آورده‌اند؟

۱۷. مفهوم هریک از کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) این سال نوبه شما مبارک باشد و هزاران سال به این سال‌ها برسید.

ب) دیدم ماشاءالله چشم بد دور، آقا واتر قیده اند.

۱۸. در همهٔ ابیات به جز زمینهٔ «ملی» حماسه آشکار است.

۱) پراگنده کافور بر خویشتن / چنان چون بود رسم و ساز کفن

۲) چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی‌گناهان نیاید گزند

۳) رخ شاه کاووس پر شرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید

۴) بدان گاه سوگند پرمایه شاه / چنین بود آیین و این بود راه

۱۹. با توجه به هریک از موارد داده شده، پاسخ درست را انتخاب کنید.

الف) در بیت «لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه»، مصراع اول، آرایهٔ «حسن تعلیل» دارد یا «تناقض»؟

ب) آرایهٔ بارز در بیت «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»، «اسلوب معادله» است یا «اغراق»؟

ج) در سرودهٔ «همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند»، ترکیب «دست زمان»، اضافهٔ استعاری است یا تشبیهی؟

د) در نوشتهٔ «زمزمهٔ لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد»، آرایهٔ «سجع» دیده می‌شود یا «حسن آمیزی»؟

۲۰. هریک از آثار «قصه‌های دوشنبه، در حیات کوچک پاییز در زندان، فی حقیقه العشق و قصهٔ شیرین فرهاد»، با

کدام یک از توضیحات زیر متناسب است؟

الف) کتابی است عرفانی از شیخ شهاب‌الدین سهروردی

ب) شعر خوان هشتم از سروده‌های این کتاب است.

ج) این اثر از ترجمه‌های عبدالحسین زرّین کوب است.

د) داستانی است طنز، از احمد عربلو با موضوع دفاع مقدّس

۲۱. معنی هریک از ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

- الف) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای مُنکر نبرد.
 ب) در همان ببحبوحة بخور بخور منظره زوال غاز خدایامرز، مرا به یاد بی‌ثباتی بوقلمون انداخت.
 ج) توپخانه شروع کرده بود و صدای مهیب آن، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می‌کرد.
 د) چه استبعادی دارد که روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم!
 ه) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: «کار شرع کار درهم و دینار نیست»
 و) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
 ز) فکری ای هم‌وطنان، در ره آزادی خویش / بنمایید که هرکس نکند مثل من است

۲۲. درک و دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.

«و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است، / بخند؛ زیرا خنده تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته»

۲۳. مفهوم مشترک سروده‌های زیر را بنویسید.

- * یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است
 * هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»

۲۴. با توجه به متن زیر، منظور هدهد از «خورشید» و «ذره» چیست؟

هدهد در پاسخ طاووس گفت: «بهشت جایگاهی خرم و زیباست اما زیبایی بهشت نیز پرتوی از جمال سیمرغ است.»
 هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند با یک ذره باز؟

۲۵. مفهوم کدام بیت با عبارت «وصول به حُسن ممکن نشود؛ آلا به واسطه عشق و عشق هر کس را به خود راه ندهد» یکسان است؟

- ۱) بیم آن است کز غم عشقت / سر برآرد دلم به شیدایی
 ۲) من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو
 ۳) بی عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ / یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است
 ۴) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را / در رگ جان، هرکه را چون زلف پیچ و تاب هست

۲۶. هریک از موارد زیر، با کدام مورد در جدول داده شده مفهوم مشترکی دارد؟ (یک مورد در جدول اضافی است)

- (۱) نی حدیث راه پر خون می کند / قصه‌های عشق مجنون می کند
 (۲) راستی خاتم فیروزه بواسحاقی / خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
 (۳) من نمازم را وقتی می خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / ...
 (۴) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است، روزش دیر شد

- الف) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟
 ب) حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد.
 ج) شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

۲۷. بیت «مال این جا بایدت انداختن / ملک این جا بایدت درباختن»، یادآور وادی از هفت وادی منطق الطّیر عطار است.

پاسخنامه:

۱. سرور

۲. الف) طی می کنم، می بیمایم (ب) طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند.

۳. گزینه ۳

۴. الف) ناهار (ب) شست

۵. الف) غدر (ب) ظن (ج) عمارت

۶. الف) کازیه (ب) عشیره

۷. (۳) اهتزاز

۸. الف) مضاف الیه مضاف الیه (ب) داشتم می گفتم (ج) قید (د) ربط

۹. الف) معنایی (ب) غیر اسنادی (ج) ضربتی چند (د) پند، (یادآوری: گروه اسمی فقط یک هسته دارد)

۱۰. رسم نمودار: نوع وابسته وابسته: ممیز

«دو تخته فرش»

۱۱. (۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

۱۲. الف) درست (ب) درست (ج) نادرست (د) نادرست

۱۳. به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید
۱۴. الف) ۲ (یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟) ب) ۱ (به هر مجلسی به هر زندان به هر شادی به هر ماتم)
۱۵. الف) پروانه نماد عاشق حقیقی است ب) شغاد، نماد ناجوانمردی است (ریاکاری و تزویر نیز درست است)
۱۶. الف) واژه سر (فکر و خیال) ب) خاک و پاک
۱۷. ۱) آرزوی عمر طولانی کردن ۲) پس روی کردن، تنزل کردن
۱۸. گزینه ۳، یا رخ شاه کاووس پر شرم دید سخن گفتنش با پسر نرم دید
۱۹. الف) تناقض ب) اسلوب معادله ج) اضافه استعاری د) حس آمیزی
۲۰. الف) فی حقیقه العشق ب) در حیاط کوچک پاییز در زندان ج) قصه‌های دوشنبه د) قصه شیرین فرهاد
۲۱. الف) آبروی بندگان را با گناه آشکار نمی‌ریزد و وجه معاش (رزق و روزی تعیین شده) را به دلیل خطای زشت قطع نمی‌کند.
ب) در همان میانه غذا خوردن، منظره نابودی غاز، مرا به یاد ناپایداری روزگار ریاکار انداخت.
ج) آتش توپخانه آغاز شده بود و صدای ترسناک آن، صدای ضعیف اسلحه کلاش را محو می‌کرد
د) بعید نیست که به زودی خاطرات سفر ماه را هم بنویسم.
ه) محتسب: پولی بده و خود را نجات بده مست: موضوعات دینی با پول (رشوه) حل نمی‌شود.
و) مانند رود امیدوار اما ناآرام هستم، به سوی دریای اتحاد مردم می‌روم تا به آرامش برسم.
ز) ای هم‌میهنان برای آزادی خویش چاره‌ای بیندیشید هر کس در پی چاره نباشد با من زندانی تفاوتی ندارد
ح) همه مردم ناراحت شدند و با دیدن چهره خندان سیاوش از شوق گریستند.
۲۲. شادی معشوق (وطن) به شاعر امید زندگی و قدرت مبارزه می‌بخشد.
۲۳. سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمی‌شود.
۲۴. خورشید: سیمرغ یا خداوند ذره: بهشت (دلبستگی‌های مادی)
۲۵. گزینه ۴ «می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را / در رگ جان، هرکه را چون زلف پیچ و تاب هست»
۲۶. الف) ۲ ب) ۳ ج) ۱
۲۷. وادی طلب یا وادی اول

ادامه سؤالات در صفحه دوم

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳		ساعت شروع: ۱۰ صبح	نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
رشته: کلیه رشته‌ها		پایه دوازدهم	تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی‌ماه سال ۱۴۰۱ مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش				
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)			
۱۱	نوع حذف در مصراع نخست بیت زیر، به قرینه لفظی است یا معنایی؟ «آینه نگاهت، بیوند صبح و ساحل <u>سحر</u> لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران»			
۱۲	در عبارت «عشقم به این بود که حرفتان را بشنوم الان هم دوستان دارم؛ بیشتر از همیشه»: الف جمله پیرو یا وابسته را مشخص کنید. <u>میرا و اجنبی</u> ب) نقش ضمیر متصل (پیوسته) را در جمله سوم بنویسید. <u>تا که / چون (یو) / کانه / آه</u>			
۱۳	در عبارت «بعد از خواندن این مطلب، متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش کار است! بیست سی سال پیش چه کارها کرده!»: الف) نوع وابسته و وابسته را بنویسید. ب) نمودار گروه اسمی را که در آن وابسته و وابسته آمده، رسم کنید.			
قلمرو ادبی (۵ نمره)				
۱۴	هریک از ابیات زیر را به درستی کامل کنید. الف) اگر مستم اگر هوشیار، اگر خوابم اگر بیدار ب) آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه			
۱۵	نویسنده کتاب «سانتاماریا» کیست؟			
۱۶	کدام بیت در بردارنده نام یکی از سراینندگان «غزل اجتماعی» در عصر مشروطه است؟ الف) پروین، شراب معرفت از جام علم نوش ترسم که دیر گردد و خالی کنند جام ب) پیش از آنی که زند سبزه سر از خاکش کاش دل عارف هس سبزه و صحرا می کرد			
۱۷	جاهای خالی عبارت زیر را به شکلی درست، پر کنید. «متن زیر، برگرفته از کتاب نوشته آلفونس دوده و ترجمه است.» «اما بغض و اندوه، صدا را در گلوی شکست، نتوانست سخن خود را تمام کند؛ سپس روی برگردانید و پاره‌ای گچ برگرفت و با دست، که از هیجان و درد می لرزید، بر تخته سیاه این کلمات را با خط جلی نوشت: زنده باد میهن!»			
۱۸	مفهوم نمادین «گل سرخ» را در سروده زیر، بنویسید. «نان را از من بگیر، اگر می خواهی، هوا را از من بگیر، اما خنده‌ات را نه. گل سرخ را از من بگیر.»			
۱۹	بیت «بدان گاه سوگند پرمایه شاه / چنین بود آیین و این بود راه» نمایانگر کدام یک از زمینه‌های حماسه است؟			
۲۰	درباره تلمیح به کار رفته در بیت زیر، توضیح دهید. «ز نیرنگ هوا و از فریب آذ خاقانی دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش»			
۲۱	با توجه به رباعی زیر، به پرسش‌های داده شده، پاسخ دهید. «کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت با زخم، نشان سرافرازی نگرفت زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت.» الف) واژه «زخم» با کدام واژه ارتباطی مبتنی بر تشبیه دارد؟ ب) آرایه‌های ادبی «تشخیص» و «کنایه» را در مصراع پایانی مشخص کنید.			

ادامه سؤالات در صفحه سوم

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
رشته: کلیه رشته‌ها	پایه دوازدهم	تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی ماه سال ۱۴۰۱			
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)		
۲۲	در بیت زیر، معنای مجازی واژه «خاک» چیست؟ «بگفتا: دل ز مهرش کی کنی پاک؟ بگفت: آن گه که باشم خفته در خاک»	۰/۲۵	صنعه صنعه خیال ماندگش
۲۳	«مشبّه به» را در عبارت زیر، مشخص کنید. «تو ای کشتی تنگ و خیار من، همین جا لنگر انداز؛ زیرا برای تو پیش از این اجازه سفر نیست.»	۰/۲۵	کشتی خیال
۲۴	آرایه ادبی مناسب با هر بیت را برگزیده، در برابر آن بنویسید. (یک آرایه اضافه است) الف) یکی تازی ای برنشسته سیاه ب) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را پ) در عالم پیر، هر کجا برنایی است همی خاک نعلش بر آمد به ماه سیل یکسان می کند پست و بلند راه را عاشق بادا که عشق خوش سودایی است	۰/۷۵	ایهام مجاز انتظار ۱- ایهام ۲- اغراق ۳- حسن تعلیل ۴- اسلوب معادله
قلمرو فکری (۸ نمره)			
۲۵	مفهوم کدام بیت با سروده زیر، تقابل معنایی دارد؟ «گفت در دل «رخش! طفلک رخش! آه! این نخستین بار شاید بود کان کلید گنج مروارید او گم شد» الف) در غم ما روزها بی گاه شد روزها با سوزها همراه شد ب) اگر خونین دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام	۰/۲۵	
۲۶	در بیت زیر، پس از آنکه «دو صد مرد آتش فروز» در آتش می دمند، چه اتفاقی می افتد؟ «بیامد دو صد مرد آتش فروز دمیدند گفتی شب آمد به روز»	۰/۲۵	
۲۷	کدام یک از بیت‌های زیر، بیانگر وادی «استغنا» است؟ الف) مال اینجا بایدت انداختن ب) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است ملک اینجا بایدت درباختن هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است	۰/۲۵	
۲۸	گزینه درست را انتخاب کنید. «رستم» پس از آنکه به نیرنگ «شغاد» پی بُرد، «با کمان و تیر»: الف) یکی تیر زد بر بر اسپ او ب) بزد راست بر چشم آن نامدار پ) درخت و برادر به هم بر بدوخت ت) سر و گوش و پایش به پیکان بدوخت	۰/۲۵	
۲۹	نویسنده در عبارت زیر، به فرمان برداری ساکنان «کرانه‌های فرات» از کدام حکومت اشاره می کند؟ «کرانه‌های فرات، خط از کرانه رود تیسر می خواندند.»	۰/۲۵	
۳۰	شاعر در بیت «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت»، ادامه حیات ملّت‌ها را در گروه چه موضوعی می داند؟	۰/۲۵	
۳۱	در نوشته زیر، مفهوم کنایی قسمت‌های مشخص شده را، به ترتیب، بنویسید. «بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم نگاه دارد.»	۰/۵	

ادامه سؤالات در صفحه چهارم

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳		ساعت شروع: ۱۰ صبح	نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
رشته: کلیه رشته‌ها		پایه دوازدهم	تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش‌آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت دی‌ماه سال ۱۴۰۱ مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش				
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)			
۳۲	با توجه به سروده زیر، مقصود از «خوان هشتم» چیست؟ «پهلوان هفت‌خوان، اکنون طعمه دام و دهان خوان هشتم بود»			
۳۳	مقصود از «سرای پاک و پلید» در بیت زیر چیست؟ «در این مقام، طرب بی‌تعب نخواهد دید که جای نیک و بد است این سرای پاک و پلید»			
۳۴	در هریک از عبارات زیر، به جز به گونه‌ای از «مصطفی» یاد شده است. الف) روا نیست بیش از این روی میزبان محترم را زمین انداخت. ب) مشغول تماشا و ورنانداز این مخلوق کمیاب و شیء عجاب بودم. پ) پنج انگشت دعاگو به معیت میج و کف و مایتعلق به، بر روی صورت گل انداخته آقای استادی نقش بست. ت) یک دست از بهترین لباس‌های نودوز خود را به انضمام مایحتوی، به دست چلاق شده خودم از خانه بیرون انداخته‌ام.			
۳۵	عبارت «ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم، ناله‌های آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست» یادآور کدام موضوع مشهور است؟			
۳۶	مفهوم مشترک بیت «یک قصه بیش نیست غم وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است» و سروده زیر را بنویسید. «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: که تو از آن منی، و من از آن تو»			
۳۷	با توجه به متن زیر، چرا عین‌القضات همدانی، عشق‌ورزی را در عرفان واجب دانسته است؟ «ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان، عشق، بنده را به خدا برساند؛ پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد.»			
۳۸	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) وظیفه روزی به خطای مُنکر نبرد. ب) این عیار مهر و کین مرد و نامرد است پ) امروز خورشید در دشت، آیینه‌دار من و تو ت) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند. ث) پامان به ده باز نشده بود و در شهر دست و پاگیر نشده بودیم. ج) پشت دستم را داغ کردم تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم. چ) وا نیامد در جهان زین راه، کس نیست از فرسنگ آن، آگاه کس ح) سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار			
۲۰	جمع نمره بهروز و کامروا باشید.			

مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	نام و نام خانوادگی:	ساعت شروع: ۱۰ صبح	سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳
تعداد صفحات: ۴ صفحه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶	پایه دوازدهم	رشته: کلیه رشته‌ها
دبیرخانه کشوری مدیران دوره دوم متوسطه نظری مستقر در استان خراسان رضوی با همکاری دبیرخانه کشوری درس ادبیات فارسی مستقر در استان همدان		دانش‌آموزان پایه دوازدهم سراسر کشور در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲	
نمره	سؤالات (پاسخبرگ دارد)		ردیف
قلمرو زبانی (۷ نمره)			
۰/۷۵	معنای واژه‌های مشخص شده زیر را بنویسید. الف) من بیش از همه در شنیدن حرف‌های شما مُصر بودم. ب) هیون آرد از دشت صد کاروان ج) گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»		۱
۰/۲۵	واژه مشخص شده در مصرع «مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است» با کدام واژه بیت زیر هم‌معنی است؟ «کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت»		۲
۰/۵	در متن زیر دو غلط املایی وجود دارد؛ درست آن را بنویسید. «مصطفی قدّ دراز و کج و مأوجش را روی صندلی مخمل جا داد و خاست جویده جویده از این بروز محبت و دل‌بستگی غیر مترقبه هرگز ندیده و نشنیده سپاسگزاری کند ولی مهلتش نداده گفتم: «استغفرالله، این حرف‌ها چیست؟»		۳
۰/۷۵	واژه درست املایی را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) نتوان (شبه - شبیح) تو گفتن که تو در فهم نگنجی ب) که گفتی (سمن - ثمن) داشت اندر کنار ج) درفش ملّی ما را به (اهتزاز - احتزاز) درآورده باشند.		۴
۰/۷۵	در بین گروه کلمات زیر سه غلط املایی وجود دارد؛ درست آن‌ها را بنویسید. زله و کلافه - ملتفت و متوجه - هول و ترسناک - غالب و چیره - مأوا و سکونت - بحر و دریا - باثق و بلند - غدر و نیرنگ - مصاحبت و همنشینی - فراغ و جدایی		۵
۰/۵	در متن زیر واژه‌هایی را که «هم‌آوا» دارند؛ مشخص کنید. «آنگاه برای انتخاب راهبر و پیشوا که در راه آنان را رهنمون شود، قرعه زدند. قضا را قرعه به نام هدهد افتاد. پس بیش از صد هزار مرغ به دنبال هدهد به پرواز درآمدند.»		۶
۰/۵	در بیت زیر «کدام واژه» و به چه «قرینه‌ای» حذف شده است؟ «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت»		۷
۰/۵	نوع «نقش‌های تبعی» مشخص شده را در عبارت زیر بنویسید. «رم پابنخت اینتالیا شهری است قدیمی، دیوارهای قطور و باروهای دودخورده آن به زبان حال بازگو می‌کند...»		۸
۰/۵	نوع «وابسته وابسته» را در عبارت‌های زیر تعیین کنید. الف) «بردن سیصد تومان پول تا تهران همراه یک محصل، خطرناک است.» ب) «در قلب آن کویر، سر در حلقوم چاه می‌برد.»		۹
ادامه سؤالات در صفحه دوم			

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
رشته: کلیه رشته‌ها	پایه دوازدهم	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش‌آموزان پایه دوازدهم سراسر کشور در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲		دبیرخانه کشوری مدیران دوره دوم متوسطه نظری مستقر در استان خراسان رضوی با همکاری دبیرخانه کشوری درس ادبیات فارسی مستقر در استان همدان	
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)		
۱۰	کاربرد حرف «را» در کدام گزینه متفاوت است؟ الف) از این بوستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟ ب) گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» پ) کان سوخته را جان شد و آواز نیامد		
۱۱	نشانه «ان» در واژه‌های زیر چه مفهومی دارد؟ الف) بابکان ب) کوهان		
۱۲	مصرع دوم بیت «وزان پس به موبد بفرمود شاه که بر چوب ریزند نفت سیاه» به شیوه عابد برگردانید.		
۱۳	در مصرع زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «این برایش سخت آسان بود و ساده بود.»		
۱۴	نقش ضمیر متصل در مصرع «تا چشم بشر نبیندت روی» چیست؟ الف) مفعول ب) مضاف‌الیه		
قلمرو ادبی (۵ نمره)			
۱۵	الف) مصرع دوم بیت زیر را بنویسید. شاهد نیاز نیست که در محضر آورند		
۰/۵	ب) مصرع اول بیت زیر را مرتب کنید. «دو واژه اضافی است.» من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن! «گیاهی - به - گل - مهر - نمی‌روید - دشت - جز - دل - شادی - رویت»		
۱۶	در بیت «پراگنده کافور بر خویشتن / چنان چون بود رسم و ساز کفن» کدام «زمینه حماسه» دیده می‌شود؟		
۱۷	در بیت زیر شاعر از «اسلوب معادله» بهره گرفته است؛ دو دلیل خود را بنویسید. «محرّم این هوش جز بی‌هوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست»		
۱۸	مفهوم کنایی عبارات زیر را بنویسید. الف) دامن از دست دادن ب) بال در آوردن		
۱۹	با توجه به ابیات زیر هر یک از واژه‌های مشخص شده «نماد» چیست؟ الف) «آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟» ب) «نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، هوا را از من بگیر، اما خنده‌ات را نه.»		
ادامه سؤالات در صفحه سوم			

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
رشته: کلیه رشته‌ها	پایه دوازدهم	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش‌آموزان پایه دوازدهم سراسر کشور در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲		دبیرخانه کشوری مدیران دوره دوم متوسطه نظری مستقر در استان خراسان رضوی با همکاری دبیرخانه کشوری درس ادبیات فارسی مستقر در استان همدان	
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)		
۲۰	در عبارت «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف» کدام ترکیب «تشبیه» است؟ الف) تقصیر عبادت ب) عاکفان کعبه ج) کعبه جلال د) عاکفان جلال		
۲۱	هر یک از ابیات «ستون الف» با کدام آرایه در «ستون ب» ارتباط دارد؟ «یک مورد در ستون ب اضافه است» ۱) سورت سرمای دی بیداد می‌کرد الف) ایهام ۲) همه‌شان زندگی شیرین و دیرین را از سر گرفتند ب) استعاره ۳) گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست» ج) متناقض‌نما د) حس‌آمیزی		
۲۲	در بیت «ز نیرنگ هوا و از فریب آز خاقانی دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش» اشاره‌ای شاعرانه وجود دارد که به این اشاره شاعرانه می‌گویند.		
۲۳	نام پدیدآورنده این کتاب‌ها را بنویسید. الف) فی حقیقه العشق: ب) تذکره الاولیا:		
۲۴	با توجه به عبارت «خوان هشتم را من روایت می‌کنم من که نامم «ماث». واژه «ماث» معرف کدام شاعر است؟		
قلمرو فکری (۸ نمره)			
۲۵	در بیت زیر به کدام «ارزش اجتماعی دوران گذشته» اشاره شده است؟ گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه گفت: «در سر عقل می‌باید، بی کلاهی عار نیست!»		
۲۶	بیت «هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام گزینه ارتباط معنایی ندارد؟ الف) اَنَا اللهُ وَاَنَا رَاجِعُونَ ب) كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَىٰ أَصْلِهِ پ) مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ		
۲۷	در عبارت زیر منظور از «گل‌های الماس» و «قندیل زیبای پروین» چیست؟ «آن شب نیز ماه با تلالؤ پرشکوهش از راه رسید و گل‌های الماس شکفتند و قندیل زیبای پروین سرزد.»		
۲۸	با توجه به بیت «با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند» منظور از «اختر سعد» است.		
۲۹	شاعر در سرودن «این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد» به چه مفهومی اشاره دارد؟		
۳۰	در شعر زیر «عشق جاودانی» چه ویژگی‌هایی دارد؟ «ذکر دو مورد کافی است». «این گونه است که عشق جاودانی، همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد و نه اهمیتی به چین و شکن‌های ناگزیر سالخوردگی می‌دهد.»		
ادامه سؤالات در صفحه چهارم			

سؤالات امتحان نهایی درس: فارسی ۳	ساعت شروع: ۱۰ صبح	نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
رشته: کلیه رشته‌ها	پایه دوازدهم	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش‌آموزان پایه دوازدهم سراسر کشور در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲		دبیرخانه کشوری مدیران دوره دوم متوسطه نظری مستقر در استان خراسان رضوی با همکاری دبیرخانه کشوری درس ادبیات فارسی مستقر در استان همدان	
ردیف	سؤالات (پاسخبرگ دارد)		
۳۱	هر یک از ابیات «ستون الف» با کدام مفهوم «ستون ب» تناسب دارد؟ «یک مورد در ستون ب اضافه است»		
	الف	ب	
۰/۷۵	الف) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن ب) ز خورشید و از آب و از باد و خاک ج) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت	اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد نگردد تبه، نام و گفتار پاک آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند	۱) لزوم داشتن مرشد و راهنما ۲) تأثیر روزگار در سرنوشت انسان‌ها ۳) جاودانگی شهرت و سخن نیک ۴) سنجیده سخن گفتن
۳۲	هر یک از ابیات زیر یادآور «کدام وادی عرفانی» است؟		
۰/۵	الف) چشم بگشا به گلستان و ببین ب) ملک اینجا بایدت انداختن	جلوه آب صاف در گل و خار ملک اینجا بایدت درباختن	
۳۳	با توجه به عبارت «تو اگر آن مایه کرامت را از مادر به میراث داشتی، می‌بایست همانند با درختان بارور بخشندگی و ایثار را سراپا دست باشی.» به پرسش‌ها پاسخ دهید.		
۰/۵	الف) منظور از «مادر» چیست؟ ب) عبارت «سراپا دست باشی» با کدام واژه در متن تناسب معنایی دارد؟		
۳۴	معنی شعر و نثر		
۰/۲۵	الف) خنده تو برای دستان من شمشیری است آخته.		
۰/۵	ب) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد.		
۰/۵	پ) دل شاه از اندیشه یابد گزند		
۰/۵	ت) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید		
۰/۷۵	ث) آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد؟		
۱	ج) برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند		
	چ) یکی از حضار که کباده شعر و ادب می‌کشید چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.		
۲۰	جمع نمره پیروز و پایدار باشید.		

سؤالات آزمون نهایی درس: فارسی ۳	ساعت شروع: ۸ صبح	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
نام و نام خانوادگی:	رشته: همه رشته‌ها	پایه دوازدهم دوره دوم متوسط	تعداد صفحات: ۴ صفحه
دانش‌آموزان روزانه، بزرگسال و داوطلبان آزاد سراسر کشور در نوبت خردادماه		مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش	
سال ۱۴۰۲			
ردیف	سؤالات	بارم	
قلمرو زبانی (۷ نمره)			
۱	کدام معنی از واژه «در سامان» در مصراع «با جان بودن به عشق در سامان نیست» برنمی‌آید؟ الف) امکان ب) درخور پ) مصلحت ت) میسر	۰/۲۵	
۲	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) باز زین و برگ را بر گرده کپرها و کوندها نهادند. ب) من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلم واقع گردم. پ) ز یزدان دان، نه از ارکان، که کونه دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی	۰/۷۵	
۳	با توجه به متن زیر، شکل درست واژه‌ای را که املاي آن غلط است، بنویسید. «[معلم] لباسی را که جز در روز توزیع جوایز یا در هنگامی که بازرسی به مدرسه می‌آمد نمی‌پوشید، بر تن کرده بود. گذشته از آن، تمام اتاق درس را ابهت و شکوهی که مخصوص مواقع رسمی است، فرا گرفته بود اما آنچه بیشتر مایع شگفتی من گشت، آن بود که بر روی نیمکت‌هایی که در مواقع عادی خالی بود، جماعتی را از مردان دهکده دیدم که نشسته بودند.»	۰/۲۵	
۴	کدام یک از ابیات زیر، فاقد غلط املائی است؟ الف) چو او را بدیدند برخاست غو که آمد ز آتش برون شاه نو ب) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی نتوان شبیح تو گفتن که تو در وهم نیایی	۰/۲۵	
۵	از میان واژگان زیر، املاي کدام واژه، به هر دو شکل صحیح است؟ «اتراق / اطراق»، «جناق / جناغ»، «حتاکی / هتاکی»، «حمایل / همایل»	۰/۲۵	
۶	در کدام گزینه املاي واژه‌ای غلط است؟ شکل درست آن را بنویسید. الف) نمی‌پذیرفتید؛ بهانه می‌آوردید و طفره می‌رفتید. ب) آن وقت من هرچه اسرار و تعارف می‌کنم، تو بیشتر ابا و امتناع می‌ورزی.	۰/۵	

۰/۲۵	<p>در هریک از جمله‌های زیر، املاي درست را از داخل کمانک برگزینید.</p> <p>الف) پس از او عموی بزرگم برجسته‌ترین شاگرد (حوزه / حوضه) ادیب بزرگ بود.</p> <p>ب) از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه (غربت / قربت) گرفتند.</p> <p>پ) قدری برای به‌جا آمدن احوال و تسکین (قلیان / غلیان) درونی در حیاط قدم زد.</p>	۷
۰/۲۵	<p>در کدام گزینه «حذف بر قرینه معنایی» صورت نپذیرفته است؟</p> <p>الف) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد.</p> <p>ب) پادشه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.</p> <p>پ) گفت: «نزدیک است والی را سرای؛ آنجا شویم» گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»</p>	۸
۰/۲۵	<p>زمان و نوع فعل «نخستین جمله» در همه عبارات زیر، به‌جز عبارت یکسان است.</p> <p>الف) داشتم می‌گفتم آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.</p> <p>ب) در باب آن مسئله معهود، خاطرمد داشت کم‌کم به کلی آسوده می‌شد.</p> <p>پ) با تمام نیرویی که داشت می‌دوید. هر از گاهی صدای تیر یا انفجاری او را به خود می‌آورد.</p> <p>ت) کار داشت به دلخواه انجام می‌یافت که ناگهان از دهنم در رفت که آخر آقایان، حیف نیست از چنین غازی گذشت؟</p>	۹
۰/۲۵	<p>در بیت زیر، چند «مفعول» وجود دارد؟</p> <p>«بگفت: آنجا به صنعت در چه کوشند؟ بگفت: انده خرد و جان فروشند»</p>	۱۰
۰/۲۵	<p>ضمیر پیوسته، در کدام مصراع، «وابسته وابسته» است؟</p> <p>«بعد چندی که گشودش چشم رخش خود را دید بس که زهر زخم‌ها کاریش گویی از تن حس و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید»</p>	۱۱
۰/۲۵ ۰/۲۵	<p>در بیت «به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت صد کاروان»</p> <p>الف) کدام واژه در جایگاه «ممیز» است؟</p> <p>ب) جمله «پیرو» یا «وابسته» را مشخص کنید.</p>	۱۲
۰/۲۵ ۰/۲۵	<p>در متن «کلمه استاد را به پیشنهاد ایشان اختیار کردم اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم. همه حضار یک‌صدا تصدیق کردند که تخلصی بس بجاست و سزاوار ایشان است.»</p> <p>الف) نوع وابسته وابسته را بنویسید.</p> <p>ب) نمودار پیکانی آن را رسم کنید.</p>	۱۳

۱۴	با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی هر یک از موارد داده شده را تعیین کنید. «ای مادر سر سپید، بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند بگرای چو ازدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر ارغند» الف) در گروه اسمی «شرزه شیر ارغند» واژه «شیر» هسته است. ب) ترکیب «مادر سر سپید» وصفی و ترکیب «سیاه‌بخت فرزند» اضافی است. <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست	۰/۵
۱۵	در عبارت «چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»: الف) جمله «پایه» یا «هسته» را مشخص کنید. ب) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را، به ترتیب بنویسید.	۰/۲۵ ۰/۲۵
۱۶	در سروده «تهمتن، گرد سجستانی / کوه کوهان، مرد مردستان / رستم دستان / در تک تاریک ژرف چاه پهناور / کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر ... / در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود»: الف) نوع نخستین نقش تبعی را بنویسید. ب) «و» در جمله پایانی، حرف عطف است یا ربط؟ پ) نشانه «ان» در واژه مشخص شده، مفهوم «شبهت» دارد یا «جمع»؟	۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۷	ابیات زیر را به شکلی درست کامل کنید. الف) بود لبریز از عشقت وجودم؛ میهن ای میهن ب) دارد اسارت تو به زینب اشارتی	۱
۱۸	در عبارات زیر، جاهای خالی را، به درستی، پر کنید. الف) کتاب «بینویان» اثر است. ب) کتاب نوشته «ظهیری سمرقندی» است.	۰/۵
۱۹	نام آفرینندگان آثاری را که نویسنده آن‌ها نادرست ذکر شده، بنویسید. «بخارای من، ایل من: محمد بهمن بیگی / تذکره‌الاولیا: عطار / تمهیدات: شهاب‌الدین سهروردی / قصه شیرین فرهاد: نظامی»	۰/۵
۲۰	در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبه» کدام است؟ «بر کن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم بر کند»	۰/۲۵

۰/۵	آرایه ادبی مناسب هر بیت را برگزینید. الف) با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی / باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (تضاد / مجاز) ب) زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست (تشخیص / متناقض‌نما)	۲۱
۰/۵	واژگان پدیدآورنده آرایه لفظی «سجع» در عبارت زیر، کدام‌اند؟ «هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مُفَرَّح ذات.»	۲۲
۱	جاهای خالی عبارات زیر را، به‌درستی، پُر کنید. الف) کاربرد واژگان قافیه در بیت زیر، سبب خلق آرایه «.....» شده است. «آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد» ب) در مصراع نخست بیت زیر، کاربرد آرایه‌های و مشهود است. «دل چه بندی در این سرای مجاز؟ / همّت پست کی رسد به فراز؟» پ) در بیت زیر، کاربرد آرایه‌های «تشبیه»، «مراعات نظیر»، «تلمیح» و «.....» مشهود است. «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟»	۲۳
۰/۷۵	آرایه ادبی مناسب با هر سروده را در برابر آن بنویسید. (یک آرایه اضافه است) الف) آتش عشق است، کاندر نی فتاد / جوشش عشق است کاندر می فتاد ب) چون رود آمیدوارم؛ بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا؛ جای قرار من و تو ۲- تضمین پ) گر چه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم ۳- حسن تعلیل ۴- حس آمیزی	۲۴
قلمرو فکری (۸ نمره)		
۰/۲۵	شاعر در بیت زیر، به بیدادگری کدام پادشاه اشاره دارد؟ «آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است»	۲۵
۰/۲۵	مولانا در بیت زیر، چه کسانی را سزاوار همراهی «عارف» دانسته است؟ «نی حریف هر که از یاری برید پرده‌هایش پرده‌های ما درید»	۲۶
۰/۲۵	«ضرورت توسل به مرشد و مراد» از مفهوم کدام بیت برمی‌آید؟ الف) در عالم پیر، هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است ب) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده‌پیش نام نهادند	۲۷
۰/۲۵	بیت «نشاط غربت از دل کی برد حُبّ وطن بیرون؟ / به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحزن دارم» به کدام داستان اشاره دارد؟	۲۸

۰/۲۵	عبارت «و آنچه را قدیمی است قدیمی ندانم که تو از آن منی و من از آن تو، درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.» کدام مفهوم را خاطر نشان می‌سازد؟ الف) غیرت و توانایی معشوق ب) جاودانگی و تقدس عشق پ) کرامت و مهربانی معشوق ت) وصف ناپذیری و زیبایی عشق	۲۹
۰/۲۵	با توجه به ابیات زیر، مراد از «پیر خردمند» کیست؟ «چه خوش فرمود آن پیر خردمند / وزین خوشتر نباشد در جهان پند: اگر خونین دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام»	۳۰
۰/۲۵	مراد از «این سخن» در بیت زیر چیست؟ «سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار»	۳۱
۰/۲۵	شاعر در سروده زیر، علاقه خود به محبوبش را به چه موضوعی پیوند زده است؟ «خنده‌ات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند.»	۳۲
۰/۲۵	شاعر در بیت زیر، شنونده را برای بهره بردن از سخنان گوینده، به چه چیزی فرا خوانده است؟ «مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد»	۳۳
۰/۲۵	مقصود از آخرین جمله عبارت «با آخرین رمق‌ها بتان داد زدید و به همه دستور دادید که بروند ... به یک نفر هم گفتید که به برادر محسن خبر بدهد که ادامه حمله را در دست بگیرد.» چیست؟	۳۴
۰/۵	بیت «صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو» و بیت زیر، بر کدام مفهوم مشترک تأکید دارند؟ «وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است»	۳۵
۰/۵	بیت «چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفתי سمن داشت اندر کنار» را با مضمون بیت زیر مقایسه کنید. «آتش ابراهیم را نبود زبان / هر که نمرودی است گو می‌ترس از آن»	۳۶
۰/۵	در متن «ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست.» منظور از «امام راستین و بزرگ» و «شیعه گمنام و غریب»، به ترتیب چه کسانی است؟	۳۷

	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.	۳۸
۰/۵	الف) عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده.	
۰/۵	ب) متکلم وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است.	
۰/۵	پ) حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب.	
۰/۵	ت) بعد از این وادی استغنا بود / نه در او دعوی و نه معنا بود	
۰/۵	ث) اگر کوه آتش بود، بسپر م / از این تنگ خوار است اگر بگذرم	
۰/۵	ج) یک قصهٔ بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است	
۰/۵	چ) با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت	
۰/۵	ح) آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟	